

بولتن

اقتصاد جنگ

شماره ۷



معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



این بولتن خبری با رویکردی تحلیلی-آینده‌پژوهانه، در معاونت مطالعات
اقتصادی و آینده‌پژوهی اتاق تهران تهیه، تدوین و منتشر شده است.

ویژه هفته منتهی به ۱۵ تیر ۱۴۰۵

پیشگفتار

هفته منتهی به ۱۵ تیر ۱۴۰۵ در شرایطی آغاز شد که اقتصاد ایران و جهان همچنان در حال ارزیابی پیامدهای جنگ ایران و آثار ناشی از تغییرات امنیتی و سیاسی منطقه بودند. اگرچه در روزهای آغازین و میانی این هفته نشانه‌هایی از کاهش تنش‌ها و تقویت امیدها به تداوم آتش‌بس مشاهده شد، اما بازارها و فعالان اقتصادی همچنان با احتیاط به تحولات پیش‌رو می‌نگریستند؛ چرا که بخش مهمی از آثار جنگ در متغیرهای اقتصادی، فراتر از میدان درگیری، در حال نمایان شدن است.

در اقتصاد ایران، واکنش بازارها بیش از هر چیز تحت تأثیر انتظارات قرار داشت. تخلیه بخشی از هیجان در بازار ارز و طلا، بازگشت نقدینگی به بورس تهران و تلاش سیاست‌گذار برای حفظ ثبات نسبی، از مهم‌ترین تحولات این دوره بود. با این حال، تداوم شکاف ارزی، محدودیت‌های تأمین مالی و ناترازی‌های انباشته در بخش‌هایی مانند مسکن، خودرو و انرژی، نشان می‌دهد که چالش‌های ساختاری اقتصاد کشور همچنان پابرجاست.

در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز اقتصادها با درجات مختلفی از پیامدهای جنگ مواجه بودند. از کشورهای حاشیه خلیج فارس که در حال بازنگری در اولویت‌های سرمایه‌گذاری و توسعه‌ای خود هستند تا اقتصادهای بزرگ آسیا، اروپا و آمریکا که آثار جنگ را از مسیر انرژی، تجارت، تورم و تغییر انتظارات سرمایه‌گذاران تجربه می‌کنند، همگی در حال تطبیق با شرایط جدیدی هستند که این بحران بر اقتصاد جهانی تحمیل کرده است.

برآیند تحولات هفته نشان می‌دهد که اگرچه کاهش نسبی تنش‌ها توانسته بخشی از نگرانی‌های کوتاه‌مدت را تعدیل کند، اما اقتصاد ایران و جهان همچنان در مرحله مدیریت پیامدهای یک بحران چندوجهی قرار دارند. از این رو، روند بازارها و چشم‌انداز فعالیت‌های اقتصادی در ماه‌های آینده همچنان به میزان پایداری تحولات سیاسی و توان اقتصادها در سازگاری با شرایط جدید وابسته خواهد بود.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۴
اقتصاد ایران.....	۸
بازار ارز و طلا در وضعیت پسا جنگ؛ تداوم شکاف ارزی و تخلیه انتظارات هیجانی.....	۸
بورس تهران در فاز احیا پس از جنگ؛ بازگشت نقدینگی در سایه نااطمینانی سیاسی.....	۹
استقبال نفت از آتش بس.....	۱۰
بحران ساختاری مسکن در اقتصاد جنگی؛ تقاضای انباشته در برابر بن بست تأمین مالی.....	۱۱
صنعت خودرو در اقتصاد پسا جنگ؛ تعمیق ناترازی تولید و غلبه سازوکارهای رانتی.....	۱۲
تعدیل ساختار مدیریتی در اقتصاد ایران؛ رویکردی برای تاب آوری منابع گذار ساختاری اقتصاد ایران؛ تاب آوری در سایه مدیریت متمرکز.....	۱۳
دیدهبان اقتصاد ایران.....	۱۴
نمای بازار سرمایه.....	۱۵
خلیج فارس.....	۲۱
چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان در افق دوره گذار جنگ.....	۲۱

تداوم سرمایه‌گذاری صندوق‌های ثروت خلیج فارس با وجود جنگ ایران	۲۳
جنگ ایران و تضعیف نقش سرمایه‌های خلیج فارس در بازارهای جهانی	۲۴
ایالات متحده آمریکا.....	۲۷
جنگ ایران و فرسایش قدرت خرید خانوارهای آمریکایی.....	۲۷
بازنگری آمار رشد اقتصادی آمریکا؛ جنگ ایران و سرمایه‌گذاری‌های هوش	
مصنوعی در کانون توجه.....	۲۸
جنگ ایران و اختلال در تنگه هرمز و فشار فزاینده بر هزینه‌های زندگی در	
اقتصاد آمریکا.....	۲۹
نمای بازارهای آمریکا.....	۳۰
آسیا.....	۳۴
بازتاب امید به آتش‌بس ایران و آمریکا در بازارهای جهانی و بازتعریف	
مسیرهای تجاری.....	۳۴
افزایش نگرانی‌ها نسبت به تبعات اقتصادی تداوم جنگ ایران در ترکیه .	۳۵
تقویت‌ین ژاپن در سایه امید به کاهش تنش‌های ایران و آمریکا.....	۳۶
کند شدن نشانه‌های فعالیت اقتصادی هند در سایه نااطمینانی ناشی از	
جنگ ایران.....	۳۷
نمای بازارهای آسیا.....	۳۸
جهان.....	۴۰

افزایش هزینه جنگ برای اقتصاد جهانی از بازار انرژی تا معیشت خانوارها	۴۰
میراث اقتصادی جنگ ایران فراتر از شوک نفتی	۴۱
افزایش فشارهای تورمی و اختلال در زنجیره جهانی انرژی در پی جنگ ایران	۴۲
اختلال تنگه هرمز و تشدید فشارهای تورمی در اقتصاد جهانی	۴۳
جنگ خاورمیانه و گسترش اختلال ساختاری در امنیت غذایی، آب و اقتصاد جهانی	۴۳
جنگ‌های ژئوپلیتیکی و شکل‌گیری انتظارات تورمی در اقتصاد اروپا	۴۴
آفریقای جنوبی و افزایش آسیب‌پذیری انرژی در پی جنگ ایران	۴۵
فشار مالی ناشی از جنگ ایران و توقف بخشی از هزینه‌های دولت فرانسه	۴۶
جنگ ایالات متحده با ایران: بحران برای اقتصاد دنیا	۴۷
تحلیل مشترک برنده نوبل اقتصاد ۲۰۲۴ و اقتصاددان ایرانی دانشگاه برکلی از سه‌گانه غیرممکن ترامپ در خلیج فارس	۵۱
نمای نفت در بازارهای جهان	۵۳

بازار ارز و طلا در وضعیت پساجنگ؛ تداوم شکاف ارزی و تخلیه انتظارات هیجانی

در بازار داخلی، آمارهای شبکه اطلاع‌رسانی طلا^۱ نشان می‌دهند، برای امروز شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۵، نرخ اسکناس دلار آمریکا در بازار آزاد به ۱,۷۴۵,۰۰۰ ریال رسیده و بالاترین قیمت روز آن ۱,۷۴۵,۲۰۰ ریال ثبت شده است. هم‌زمان، بر اساس داده‌های مرکز مبادله ارز و طلای ایران، نرخ فروش حواله دلار ۱۴۷,۲۹۰ تومان و نرخ فروش حواله یورو ۱۷۱,۲۹۴ تومان اعلام شده است. این اعداد همچنان از تداوم شکاف معنادار میان بازار آزاد و رسمی حکایت دارند؛ به‌طوری‌که فاصله دلار آزاد و حواله‌ای در محدوده حدود ۱۸ تا ۱۹ درصد باقی مانده است. در سایر ارزها نیز روند قیمتی نسبتاً باثبات اما در سطوح بالا دنبال می‌شود؛ یورو در بازار آزاد حدود ۲,۰۷۷,۰۰۰ ریال، پوند ۲,۳۴۱,۹۰۰ ریال و درهم امارات ۴۷۵,۳۴۰ ریال قیمت خورده‌اند.

بازار طلا و سکه تهران در روز جاری (۹ خرداد ۱۴۰۵) همچنان تحت تأثیر هم‌زمان نوسانات نرخ ارز و تحرکات محدود اونس جهانی قرار دارد. بر اساس داده‌های لحظه‌ای، سکه امامی در سطح ۱۸۲,۵۱۰,۰۰۰ تومان معامله می‌شود و نسبت به ابتدای هفته در یک فاز اصلاحی ملایم قرار گرفته است. در سایر قطعات، سکه تمام بهار آزادی ۱۷۸,۶۲۰,۰۰۰ تومان و نیم‌سکه ۹۴,۴۰۰,۰۰۰ تومان قیمت‌گذاری شده‌اند. طلای ۱۸ عیار نیز با قرار گرفتن در سطح حدود ۱۸,۱۳۰,۰۰۰ تومان، فاصله اندکی با کف‌های روزانه دارد که نشان‌دهنده احتیاط معامله‌گران و کاهش تقاضای هیجانی است. در این میان، حباب سکه امامی به محدوده‌های نزدیک صفر میل کرده و حتی در برخی ساعات معاملاتی نشانه‌هایی از حباب منفی خفیف مشاهده می‌شود؛ موضوعی که بیانگر همگرایی نسبی قیمت بازاری و ارزش ذاتی است.

¹ www.tgju.org

در بازارهای جهانی، اونس طلا یک نوسان محدود اصلاحی را تجربه کرده و در سطح حدود ۴,۵۴۰ دلار معامله می‌شود. تحلیلگران فنی معتقدند محدوده ۴,۵۰۰ دلار همچنان به‌عنوان یک سطح حمایتی کلیدی عمل می‌کند و حفظ این سطح برای تداوم روند صعودی میان‌مدت ضروری است. در عین حال، با توجه به تثبیت نسبی سیاست‌های پولی در اقتصادهای بزرگ و نبود شوک‌های ژئوپلیتیک جدید، بازار جهانی طلا در فاز انتظار و نوسان محدود قرار گرفته است.

در بازار رمزارزها، بیت‌کوین (BTC) نیز در مسیر تثبیت قیمتی حرکت می‌کند. بر اساس آخرین داده‌های تریدینگ‌ویو^۲، قیمت این رمزارز در محدوده ۷۳,۵۰۰ دلار قرار گرفته و طی ۲۴ ساعت گذشته رشد ملایم کمتر از ۱ درصدی را ثبت کرده است. با این حال، عملکرد یک‌ماهه بیت‌کوین همچنان نشان‌دهنده بازدهی ضعیف‌تر نسبت به دوره‌های صعودی قبلی است و بیانگر آن است که بازار رمزارزها در حال حاضر با کمبود محرک‌های قوی تقاضا مواجه است. در مجموع، تصویر کلان بازارها همچنان ترکیبی از بی‌ثباتی کنترل‌شده است؛ جایی که شکاف ارزی، انتظارات تورمی را زنده نگه داشته، اما هم‌زمان نبود سیگنال قطعی از تغییرهای سیاسی و ارزی، مانع از شکل‌گیری روندهای پر قدرت صعودی شده است. در چنین شرایطی، بازارها در یک وضعیت رفت‌و برگشتی باقی مانده‌اند؛ با فشار صعودی در نرخ ارز و ریسک اصلاح در دارایی‌هایی مانند طلا و رمزارزها که بیش از سایرین به انتظارات وابسته‌اند.

بورس تهران در فاز احیا پس از جنگ؛ بازگشت نقدینگی در

سایه نااطمینانی سیاسی

بورس تهران پس از دوره طولانی رکود و ۸۰ روز تعطیلی متاثر از جنگ، هفته‌ای پرنوسان را با ثبت رکوردهای تاریخی پشت سر گذاشت. شاخص کل با ورود به کانال ۴ میلیون و ۷۳ هزار واحدی و شاخص هم‌وزن با عبور از ارتفاع یک میلیون و ۷۳ هزار واحدی، نشان دادند که تمایل به بازگشت به روند صعودی دارند. این چرخش فاز که از ترس صف‌های فروش سنگین

² www.tradingview.com

آغاز شد، به عطش خریداران ختم شد تا جایی که در تنها چهار روز کاری، ۱۵.۵ هزار میلیارد تومان نقدینگی حقیقی وارد بازار سهام شد که خود نشان‌دهنده خروج سرمایه از صندوق‌های درآمد ثابت و بازگشت اعتماد عمومی است.

ارزش معاملات خرد در روزهای اوج تقاضا تا ۱۷.۵ هزار میلیارد تومان جهش داشت که تأییدکننده قدرت نقدینگی موجود در بازار است. در این مسیر، گروه‌هایی نظیر پالایشی، سیمانی، زراعت و غذایی به عنوان لیدرهای بازار شناخته شدند و نمادهای بدون دامنه نوسان نیز رشد‌های خیره‌کننده‌ای را تجربه کردند. با این حال، تداوم این روند در گرو تعیین تکلیف نهایی اخبار سیاسی پیرامون توافقات احتمالی و بررسی دقیق گزارش‌های عملکرد ماهانه شرکت‌هاست. در شرایط فعلی، بازار از فاز هیجانی به سمت تعادل حرکت کرده است؛ اما همچنان ریسک‌های کلان اقتصادی و ژئوپلیتیک، عوامل تعیین‌کننده برای استمرار روند مثبت بازار در هفته‌های پیش‌رو خواهند بود.

استقبال نفت از آتش بس

بنا بر گزارش‌های منتشر شده در خبرگزاری «رویترز» و داده‌های جاری تریدینگ اکونومیس 3 تا پایان معاملات ۲۹ می ۲۰۲۶، بازارهای جهانی نفت در واکنش به اخبار مربوط به دستیابی ایالات متحده و ایران به یادداشت تفاهم اولیه برای برقراری آتش بس ۶۰ روزه، فاز تازه‌ای از تعدیل قیمت را تجربه کردند. در این شرایط، قیمت هر بشکه نفت برنت به حدود ۹۱ دلار و نفت وست تگزاس اینترمیدیت (WTI) به سطح ۸۷ دلار عقب‌نشینی کرد که نشان‌دهنده کاهش «پریمیوم ریسک ژئوپلیتیک» در بازار است؛ چرا که معامله‌گران در حال بازنگری در سناریوهای محدودیت ترانزیت در تنگه هرمز هستند.

با این حال، تحلیل‌های ارائه‌شده توسط «مانی مورنینگ»^۴ و کارشناسان انرژی حاکی از آن است که این روند، شکننده و مشروط به تأیید نهایی مقامات ارشد است. طبق این تحلیل‌ها،

3 Trading Economics

⁴ www.moneymorning.com

توافق مذکور هنوز نهایی نشده و هرگونه انحراف در مسیر اجرا یا شکست مذاکرات در لحظات آخر، پتانسیل بازگشت سریع قیمت‌ها به سطوح بالای ۱۰۰ دلار را داراست. بنابراین، اگرچه کاهش قیمت‌ها به زیر ۹۰ دلار نشان‌دهنده خوش‌بینی کوتاه‌مدت به کاهش ریسک صادرات انرژی است، اما با توجه به ماهیت متغیر سیاست‌گذاری‌ها، استمرار ثبات قیمت‌ها همچنان در گرو عملیاتی شدن گشایش‌های میدانی در تنگه هرمز و تداوم واقعی جریان عرضه است.

بحران ساختاری مسکن در اقتصاد جنگی؛ تقاضای انباشته در برابر بن‌بست تأمین مالی

بازار مسکن ایران در سال ۱۴۰۴ با یک بحران ساختاری دوگانه مواجه است؛ از یک سو با «تقاضای مطلق» روبروست که به عقیده کارشناسان، همان‌طور که در تحلیل‌های «اقتصادنیوز» با استناد به نظر بیت‌الله ستاریان مطرح شده، نیاز به تولید و تحویل سالانه یک میلیون واحد مسکونی را ضروری می‌سازد. این رقم، به معنای وجود پتانسیل رشد بالا در بخش عرضه است که به دلیل عقب‌ماندگی تاریخی، اکنون به یک متغیر فشاری بر تورم تبدیل شده است. در واقع، این فاصله میان عرضه و تقاضا، فضایی ایجاد کرده که بازار را به طور مداوم تشنه ورود واحدهای جدید نگه می‌دارد.

با این حال، در سمت تأمین مالی، واقعیت‌ها با اعداد آرمانی فاصله معناداری دارند. بنا بر گزارش‌های «اقتصادنیوز»، هدف‌گذاری پرداخت ۵۰۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات مسکن در سال ۱۴۰۴، عملاً به چالش اصلی شبکه بانکی تبدیل شده است. تقسیم این بار مالی میان بانک‌ها نشان می‌دهد که توان اعتباری کشور برای پوشش نیاز ساخت‌وساز محدود است و ناترازی‌های بانکی، عملاً دستیابی به این هدف را با تردید جدی روبرو کرده است. در واقع، بانک‌ها به دلیل فشارهای نقدینگی، قدرت پشتیبانی از این حجم سنگین از تقاضا را ندارند و این عدم تحقق تسهیلات، زنجیره تولید را قفل کرده است.

در همین چارچوب، همان‌طور که «دنیای اقتصاد» در بررسی مدل‌های حمایتی مسکن اشاره کرده، طرح ایده‌هایی مانند «مسکن حمایتی بدون وام بانکی» بیش از آنکه یک راهکار عملیاتی

باشد، نشان‌دهنده بن‌بستی است که سیاست‌گذار در تأمین نقدینگی در شرایط جنگی به آن خورده است. حذف وام بانکی در اقتصادی که هزینه‌های نهاده‌های ساختمانی در آن جهش‌های پیاپی دارند، عملاً به معنای متوقف شدن موتور عرضه است. برآیند این داده‌ها نشان می‌دهد که بازار مسکن نه تنها درگیر رکود ناشی از کاهش قدرت خرید است، بلکه درگیر یک ناترازی بزرگ در مدل‌های تأمین مالی است که بدون حل آن، رسیدن به هدف تولید یک میلیون واحد در سال، همچنان در حد اعداد روی کاغذ باقی خواهد ماند.

صنعت خودرو در اقتصاد پساجنگ؛ تعمیق ناترازی تولید و غلبه سازوکارهای رانتی

بنا بر تحلیل «دنیای اقتصاد»، سال ۱۴۰۵ برای صنعت خودروی ایران که طی جنگ صدمات جدی به آن وارد شد، «سال سخت» نام گرفته است؛ وضعیتی که با ناترازی مالی عمیق همراه شده و فاصله قیمتی کارخانه تا بازار در برخی مدل‌ها را به ۱۰۰ درصد رسانده است. در این شرایط، ۹۰ درصد نقدینگی خودروسازان صرف پوشش هزینه‌های جاری و سود تسهیلات می‌شود که نتیجه آن، افت ۱۰ تا ۱۵ درصدی تیراژ تولید نسبت به برنامه هدف‌گذاری شده است.

در سوی دیگر، گزارش «اقتصادنیوز» از شکل‌گیری بازار سیاهی پرده برمی‌دارد که در آن سهمیه‌های اقامت برای واردات خودرو، با قیمت‌های ۲ تا ۵ میلیارد تومانی (معادل بهای یک آپارتمان) خرید و فروش می‌شوند. این رانت به قدری ساختار بازار را تحت تأثیر قرار داده که سهم سوداگری و مجوزها در تعیین قیمت نهایی خودروهای وارداتی به ۸۰ درصد رسیده است. برآیند این داده‌ها نشان می‌دهد که خودرو در ایران دیگر از کانال صنعت قیمت‌گذاری نمی‌شود، بلکه این ناترازی تولید و اقتصاد «سهمیه‌فروشی» است که نبض قیمت را در دست دارد.

تعدیل ساختار مدیریتی در اقتصاد ایران؛ رویکردی برای تاب‌آوری منابع

تحلیل‌های اخیر «اکنومیست» نشان می‌دهد که اقتصاد ایران تحت فشارهای مالی، در حال بازنگری در مدل مدیریت صنعتی و زیرساختی خود است. در این چارچوب، نقش نهادهای حاکمیتی (شامل نهادهای نظامی و غیرنظامی) در مدیریت دارایی‌های استراتژیک برای بهینه‌سازی تخصیص منابع افزایش یافته است. این تحول بیش از آنکه بیانگر تغییر قدرت باشد، یک «جابه‌جایی مدیریتی» برای حفظ تداوم عملیاتی در صنایع پایه است. در واقع، اجرای پروژه‌های بزرگ به بخش‌هایی منتقل شده که از ظرفیت اجرایی و تاب‌آوری بالاتری برخوردارند تا ضمن کاهش هزینه‌های جاری، ریسک‌های زنجیره تأمین مدیریت شوند. این حرکت از تصدی‌گری عمومی به سمت «مدیریت متمرکز»، با هدف کاهش هزینه‌های مبادله و جلوگیری از توقف پروژه‌های کلیدی انجام می‌شود. این رویکرد نه برآمده از ملاحظات ایدئولوژیک، بلکه یک ضرورت مالی برای جلوگیری از افت تولید در بخش‌های نفت، انرژی و زیرساخت است که در تحلیل‌ها از آن به عنوان «تغییر مسیر برای مدیریت بحران منابع» یاد شده است.

گذار ساختاری اقتصاد ایران؛ تاب‌آوری در سایه مدیریت متمرکز

در گزارش اخیر روزنامه گاردین^۵، اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۵ با گذار به شرایط اقتصاد دوران جنگ، دستخوش بازآرایی‌های ساختاری برای حفظ ثبات شده است. طبق داده‌های این تحلیل، شکاف قیمتی در بازار ارز با نرخ آزاد حدود ۱۸۱ هزار تومان در مقابل نرخ مبادله‌ای ۱۴۸ هزار تومان (اختلاف ۳۳ هزار تومانی)، نشان‌دهنده لزوم بازنگری در مدل تخصیص منابع ارزی

^۵ www.theguardian.com

است. همزمان، تمرکز ۹۰ درصدی صادرات نفت بر بازار چین، راهبرد اصلی برای تضمین جریان درآمدی در فضای محدودیت‌های بین‌المللی است. در بخش عرضه، ناترازی گاز با کسری روزانه ۵۰ میلیون مترمکعب، سیاست‌گذار را به سمت تمرکز مدیریتی بر صنایع انرژی‌بر سوق داده است. این شرایط در حوزه اجتماعی نیز با ضریب جینی ۰.۳۸۷ و نسبت هزینه‌ای ۷.۶ برابری دهک‌ها همراه است که ضرورت حفظ تقاضای مؤثر را برجسته می‌کند. در مقابل، بخش دیجیتال با گردش مالی حداقل ۲۱۰۰ همت، به مثابه یک موتور تاب‌آور عمل می‌کند. برآیند این تحولات نشان می‌دهد که اقتصاد کشور در حال انتقال به یک مدل مدیریت متمرکز برای کاهش هزینه‌های مبادله و جلوگیری از توقف پروژه‌های استراتژیک است. این تغییر مسیر، واکنشی به ضرورت‌های مالی جهت حفظ تولید و جلوگیری از افت ظرفیت‌های صنعتی در مواجهه با متغیرهای برون‌زا و فشارهای ناشی از جنگ است.

دیدبان اقتصاد ایران

تلاقی اقتصاد ایران در هفته منتهی به ۹ خرداد ۱۴۰۵ شرایطی را تجربه کرد که ترکیبی از سیگنال‌های مثبت سیاسی و تداوم چالش‌های ساختاری بود. بازارهای مالی تحت تأثیر اخبار پیرامون آتش‌بس شصت‌روزه و کاهش پرمیوم ریسک ژئوپلیتیک، فاز جدیدی از تعدیل انتظارات را آزمودند که نمود آن در عقب‌نشینی قیمت نفت به سطوح پایین‌تر و تخلیه حباب سکه امامی به نزدیکی صفر مشهود است. در بازار ارز، علیرغم تلاش برای مدیریت نرخ، شکاف میان حواله مبادله‌ای و بازار آزاد همچنان در محدوده هجده تا نوزده درصد باقی مانده که نشان‌دهنده تداوم انتظارات تورمی است. بورس تهران نیز پس از دوره‌ای طولانی از رکود، با ورود نقدینگی حقیقی شاهد بازگشت به روند صعودی بود؛ هرچند این جهش عمدتاً نقدینگی محور است و تداوم آن در گرو بهبود گزارش‌های عملکرد ماهانه شرکت‌هاست. در بخش‌های واقعی اقتصاد، ناترازی‌ها همچنان سایه سنگینی بر تولید افکنده‌اند؛ به طوری که در بخش مسکن، شکاف عمیق میان نیاز به تولید و توان اعتباری بانک‌ها، طرح‌های توسعه‌ای را عملاً متوقف کرده و در صنعت خودرو نیز غلبه اقتصاد سهمیه‌فروشی بر تولید، باعث افت

تیراژ و تبدیل مجوزها به کالایی سوداگرانه شده است که نشان از بحران عمیق در تخصیص منابع دارد.

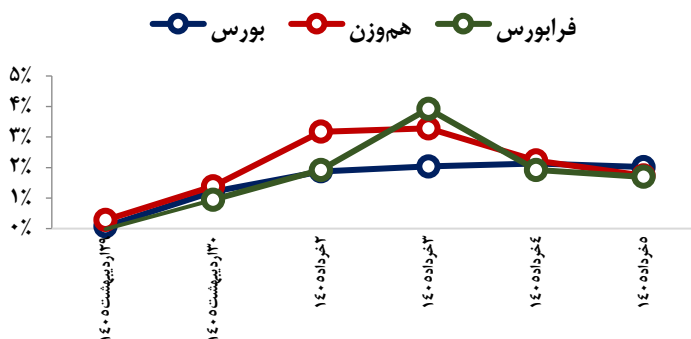
در تحلیل کلان و ساختاری، آنچه اقتصاد ایران را در این مقطع متمایز می‌کند، گذار آشکار از رویکردهای تصدی‌گری عمومی به سمت نوعی مدیریت متمرکز و تاب‌آورانه در دارایی‌های استراتژیک است. این تغییر مسیر که از آن به عنوان «جابه‌جایی مدیریتی برای حفظ بقا» یاد می‌شود، بیش از آنکه برآمده از ملاحظات ایدئولوژیک باشد، یک ضرورت مالی برای جلوگیری از فروپاشی زنجیره تأمین در بخش‌های حیاتی نظیر نفت و انرژی در مواجهه با فشارهای خارجی است. با انتقال پروژه‌های کلان به بخش‌هایی که دارای ظرفیت اجرایی بالاتر و ریسک‌پذیری مدیریت‌شده هستند، سیاست‌گذار در تلاش است تا هزینه‌های مبادله را کاهش داده و از توقف عملیاتی جلوگیری کند. با این حال، باید توجه داشت که اگرچه این استراتژی در کوتاه‌مدت به ثبات و پیشگیری از بحران کمک می‌کند، اما در بلندمدت مخاطراتی جدی برای بهره‌وری کلی اقتصاد در پی دارد. جایگزینی مکانیسم‌های رقابتی بازار با دستورالعمل‌های اداری و متمرکز، می‌تواند به فرسایش کارایی سیستم منجر شود. در نهایت، ثبات نسبی ایجاد شده در هفته جاری نه ناشی از اصلاحات بنیادی اقتصادی، بلکه حاصل مدیریت بحران منابع و استفاده از فضای دیپلماتیک است. بنابراین، تداوم این وضعیت بیش از هر چیز در گرو عملیاتی‌شدن توافقات سیاسی و توانایی نظام بانکی در رفع ناترازی‌های عمیق است؛ چرا که بدون اصلاح زیرساخت‌های مالی و نرخ‌گذاری دستوری، هرگونه آرامش در بازارها شکننده بوده و مستعد بازگشت به وضعیت نوسانی در صورت بروز کوچک‌ترین تغییر در متغیرهای سیاسی است.

نمای بازار سرمایه

در هفته منتهی به ۵ خرداد ۱۴۰۵ شاخص کل بورس تهران توانست از مرز ۴ میلیون واحد عبور کند. این صعود با بازگشایی نمادهای بزرگ شاخص‌ساز پس از وقفه‌ای طولانی همراه بود. روند صعودی از ۲۹ اردیبهشت با رشد آرام ۰.۱ درصدی آغاز شد و از ابتدای خرداد ماه سرعت گرفت. اوج این صعود در ۵ خرداد رخ داد. در واقع روز سه‌شنبه با بازگشایی نمادهای

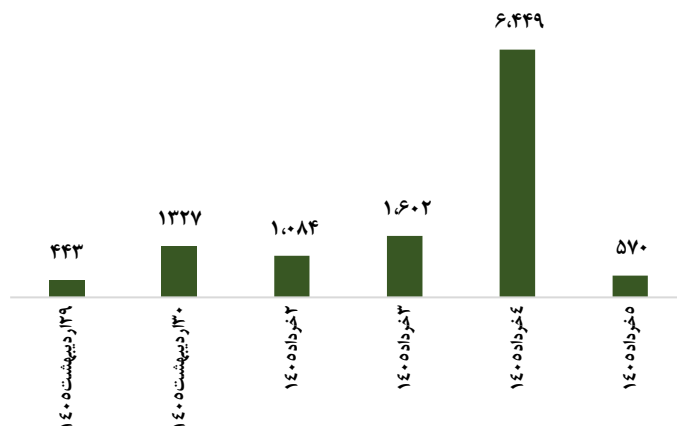
شاخص ساز، شاخص کل بورس توانست از ۴ میلیون واحد عبور کند. روز چهارشنبه نیز به دلیل تعطیلات رسمی عید قربان، بازارها تعطیل بودند. اخبار مربوط به ادعاهای ترامپ درباره توافق احتمالی را می توان یکی از دلایل جهش شاخص کل بورس دانست چرا که موجب خروج پول از صندوق های طلا و ایجاد تقاضا برای خرید سهام شد.

رشد شاخص های بازار سرمایه



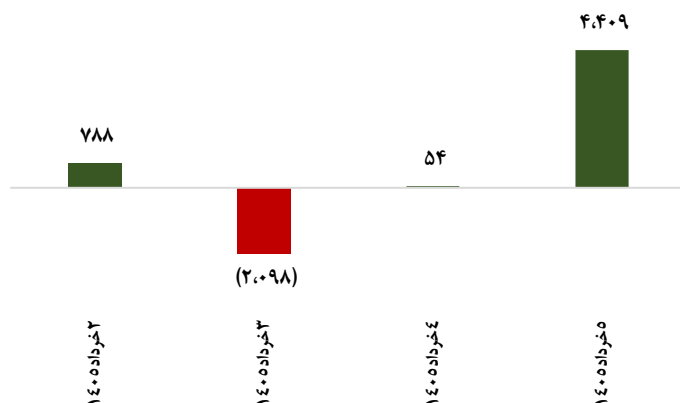
صندوق های سهامی در هفته منتهی به ۵ خرداد ۱۴۰۵، به یکی از مقاصد اصلی ورود پول تبدیل شدند. همزمان با بازگشایی معاملات سهام در ۲۹ اردیبهشت، معاملات صندوق های سهامی نیز از سر گرفته شد و با استقبال ۴۴۳ میلیارد تومان پول حقیقی همراه بود. همزمان با شکل گیری انتظارات مثبت ناشی از احتمال توافقات جدید، ورود پول به این صندوق ها سرعت گرفت. در مجموع نخستین هفته معاملاتی صندوق های سهامی، نشان دهنده حرکت از دارایی های امن مانند طلا به سمت صندوق های سهامی و تغییر ریسک های سیستماتیک و خوش بینی بازار به تحولات منطقه است.

ورود و خروج پول به صندوق‌های سهامی معامله (میلیارد تومان)



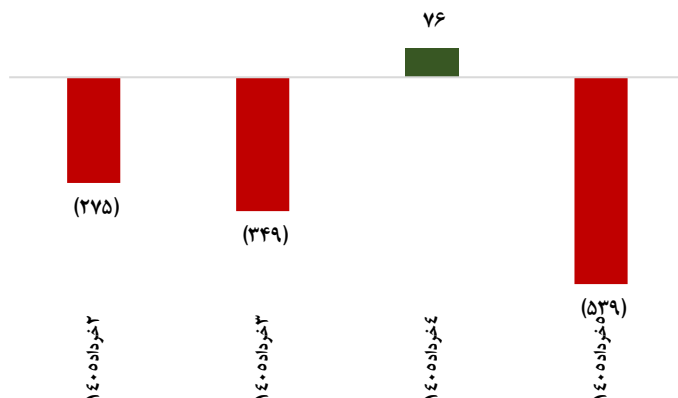
صندوق‌های درآمد ثابت در این هفته شاهد رفتاری دوگانه بودند. در ابتدای هفته با وجود خروج پول در ساعات ابتدایی شبانه ۲ خرداد، درآمد ثابت‌ها توانستند ۷۸۸ میلیارد تومان ورود پول داشته باشند. با این حال با اوج‌گیری تقاضای بالا برای خرید سهام در روز یکشنبه، این امر موجب خروج بیش از ۲ همت پول حقیقی از این صندوق‌ها شد. این تغییر را می‌توان نشان‌دهنده تغییر رفتار و تمایل برای خروج از دارایی‌های امن و ورود به دارایی‌های پرریسک دانست. در روزهای پایانی هفته، با نزدیک شدن به تعطیلات آخر هفته و آرام‌تر شدن جریان معاملات سهام، شاهد ورود دوباره پول به صندوق‌های درآمد ثابت بودیم تا جایی که در روز ۵ خرداد، ۴۴ همت پول حقیقی به این صندوق‌ها وارد شد. این ورود سنگین را می‌توان به نوعی استراتژی معامله‌گران برای کسب سود روزشمار در تعطیلات و نیز مدیریت ریسک دانست.

ورود و خروج پول به صندوق‌های درآمد ثابت قابل معامله
(میلیارد تومان)



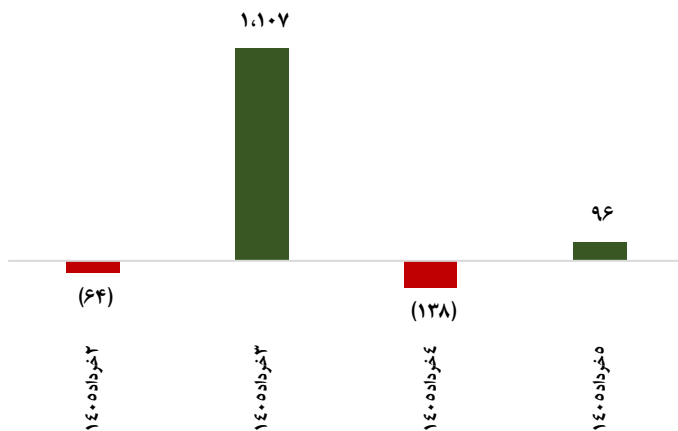
صندوق‌های طلا در این هفته تحت تأثیر دو عامل تخلیه حباب و اخبار سیاسی قرار داشتند. این هفته با خروج ۲۷۵ میلیارد تومان پول در ۲ خرداد آغاز شد که علت اصلی آن را می‌توان تخلیه کامل حباب قیمتی این صندوق‌ها و تمایل سرمایه‌گذاران به حضور در بازار رو به رشد سهام دانست. در روز یکشنبه و همزمان با انتشار اخبار مربوط به ادعاهای ترامپ مبنی بر تشکیل جلسه در اتاق وضعیت برای تصمیم‌نهایی درباره ایران و شایعات مربوط به توافقات جدید، فشار فروش در صندوق‌های طلا تشدید شد و ۳۴۹ میلیارد تومان از این صندوق‌ها خارج شد. در اواسط هفته یعنی روز دوشنبه، ورود جزئی پول به ارزش ۷۶ میلیارد تومانی به این صندوق‌ها انجام شد اما در آخرین روز معاملاتی هفته، این صندوق‌ها دوباره با خروج ۵۳۹ میلیارد تومانی مواجه شدند. به نظر می‌رسد کاهش انتظارات تورمی ناشی از جدی شدن اخبار مذاکرات و همچنین اصلاح قیمت جهانی طلا، باعث شد صندوق‌های طلا بر خلاف هفته‌های گذشته، جذابیت خود را به عنوان دارایی امن به طور موقت از دست بدهند.

ورود و خروج پول به صندوق‌های طلای قابل معامله
(میلیارد تومان)



ورود و خروج پول به صندوق‌های نقره در این هفته پرنوسان بود. این صندوق‌ها در برخی روزها با ورود سنگین نقدینگی همراه بودند. این در حالی است که ابتدای هفته با خروج ۶۴ میلیارد تومانی به این صمندوق‌ها آغاز شده بود. در روز یکشنبه ۳ خرداد بازار شاهد ۱۰۱ همت ورود پول به صندوق‌های نقره بود. در روزهای پایانی هفته، پس از خروج ۱۳۸ میلیارد تومانی در ۴ خرداد، بار دیگر در ۵ خرداد شاهد ورود ۹۶ میلیارد تومان به صندوق‌های نقره بودیم. با توجه به اینکه حباب این صندوق‌ها در هفته گذشته، کاهش یافت، خرید واحدهای این صندوق‌ها با ریسک کمتری انجام شد.

ورود و خروج پول به صندوق های نقره قابل معامله
(میلیارد تومان)



چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان در افق دوره‌گذار جنگ

بررسی مرکز عربی واشنگتن دی‌سی (ACW) نشان می‌دهد جنگ ایران و پیامدهای ناشی از انسداد تنگه هرمز، به یکی از مهم‌ترین آزمون‌های اقتصادی کشورهای خلیج فارس تبدیل شده است. افزایش هزینه‌های بیمه کشتیرانی، اختلال در زنجیره‌های تأمین جهانی و آسیب به برخی زیرساخت‌های منطقه، فشارهای اقتصادی قابل توجهی را بر اقتصادهای وابسته به صادرات انرژی وارد کرده است. در این میان، میزان آسیب‌پذیری کشورها تا حد زیادی به موقعیت جغرافیایی و دسترسی آن‌ها به مسیرهای جایگزین صادراتی وابسته بوده است. کویت و قطر به دلیل وابستگی بیشتر به تنگه هرمز با فشارهای بیشتری مواجه شده‌اند، در حالی که عربستان توانسته بخشی از این شوک را از طریق مسیرهای زمینی و خط لوله شرق - غرب مدیریت کند.

خط لوله شرق - غرب که در دهه ۱۹۸۰ راه‌اندازی شد، اکنون امکان انتقال روزانه حدود ۷ میلیون بشکه نفت را فراهم می‌کند و به عربستان اجازه داده است بین ۶۰ تا ۷۰ درصد از ظرفیت صادراتی پیش از جنگ را حفظ کند. با این حال این مزیت مطلق نیست. انتقال بخشی از فعالیت‌های صادراتی به سواحل غربی، زیرساخت‌های نفتی این کشور را در معرض تهدیدات جدید قرار داده و احتمال تشدید ناامنی در باب‌المندب می‌تواند مسیرهای جایگزین صادرات انرژی را نیز با محدودیت مواجه سازد.

در سطح اقتصاد کلان، عربستان با وضعیتی دوگانه روبه‌رو شده است. از یک سو شرکت سعودی آرامکو در نتیجه تداوم صادرات و افزایش قیمت نفت پس از آغاز جنگ، رشد ۲۵ درصدی سود خود را در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۶ گزارش کرده است. از سوی دیگر، افزایش هزینه‌های ناشی از جنگ باعث شده دولت بزرگ‌ترین کسری بودجه فصلی تاریخ خود را تجربه کند. همزمان اثرات جنگ به بخش واقعی اقتصاد نیز سرایت کرده و کاهش تولید در

پالایشگاه‌ها، صنایع پتروشیمی، کود شیمیایی و آلومینیوم را به همراه داشته است. کاهش تولید نفت همچنین بر تولید گاز طبیعی اثر گذاشته و فشارهایی را بر تأمین برق و فعالیت مراکز صنعتی مهمی مانند رأس تنوره و رأس الخیر وارد کرده است.

این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که عربستان همزمان در حال بازنگری در اولویت‌های «چشم‌انداز ۲۰۳۰» است. تعلیق یا بازبینی برخی پروژه‌های پرهزینه مانند دِ لاین (The Line)، تروjena (Trojena) و مکعب (Mukaab) پیش از آغاز جنگ آغاز شده بود، اما فشارهای مالی اخیر ضرورت این رویکرد را افزایش داده است. در همین چارچوب، صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان (PIF) راهبرد پنج‌ساله جدیدی را معرفی کرده که تمرکز آن بر هوش مصنوعی، انرژی‌های تجدیدپذیر، معادن، لجستیک، گردشگری و سرگرمی است. دولت همچنین در حال کنار گذاشتن برخی پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های کم‌بازده خارجی برای اعمال انضباط مالی بیشتر است.

گزارش همچنین به بعد سیاسی موضوع اشاره می‌کند. عربستان طی دو سال گذشته سرمایه‌گذاری در اقتصاد آمریکا را به یکی از ابزارهای اصلی روابط خود با دولت دونالد ترامپ تبدیل کرده بود، اما ورود آمریکا به درگیری‌های نظامی و تشدید تنش‌ها با ایران، تردیدهایی را در پایتخت‌های عربی ایجاد کرده است. اگر جنگ و پیامدهای مالی آن تداوم یابد، هدایت بخش بیشتری از سرمایه‌ها به داخل کشور می‌تواند به یکی از ابزارهای فشار اقتصادی ریاض در روابط با واشنگتن تبدیل شود.

در مجموع، گزارش ACW نشان می‌دهد جنگ ایران جهت‌گیری کلان توسعه عربستان را تغییر نداده است، اما روندی را که از پیش آغاز شده بود تسریع کرده است. اولویت‌بندی پروژه‌ها، افزایش انضباط مالی، تمرکز بر سرمایه‌گذاری‌های دارای بازده بالاتر و تقویت تاب‌آوری اقتصادی، اکنون بیش از گذشته در مرکز سیاست‌گذاری اقتصادی ریاض قرار گرفته و بخشی از آمادگی این کشور برای دوره توسعه زیرساختی منتهی به جام جهانی فوتبال ۲۰۳۴ را تشکیل می‌دهد.

تداوم سرمایه‌گذاری صندوق‌های ثروت خلیج فارس با وجود جنگ ایران

بر اساس گزارشی Global SWF منتشر کرده و روزنامه The National به آن پرداخته است، جنگ ایران تاکنون نتوانسته روند سرمایه‌گذاری صندوق‌های ثروت حاکمیتی کشورهای حاشیه خلیج فارس را متوقف کند. بررسی عملکرد این صندوق‌ها نشان می‌دهد جریان سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۶ همچنان ادامه یافته و بخش عمده منابع مالی به بازارهای توسعه‌یافته اختصاص پیدا کرده است.

این روند از آن جهت اهمیت دارد که بسیاری از تحلیلگران انتظار داشتند افزایش نااطمینانی‌های ناشی از جنگ، دولت‌های منطقه را به سمت احتیاط بیشتر در سرمایه‌گذاری‌های برون‌مرزی سوق دهد. با این حال، داده‌ها نشان می‌دهد صندوق‌های بزرگ امارات و عربستان نه تنها از بازارهای جهانی عقب‌نشینی نکرده‌اند، بلکه سطح سرمایه‌گذاری آنها در بسیاری از موارد با میانگین سال‌های گذشته برابری می‌کند. استمرار این روند بیانگر آن است که درآمدهای حاصل از صادرات انرژی و حجم بالای ذخایر مالی، توان جذب شوک‌های ناشی از جنگ را برای این کشورها افزایش داده است.

در میان صندوق‌های منطقه، سرمایه‌گذاران اماراتی و عربستانی رویکرد متفاوتی را نیز دنبال کرده‌اند. بخشی از منابع مالی این صندوق‌ها به بازارهای نوظهور به‌ویژه اقتصادهای آسیایی اختصاص یافته است. این موضوع نشان می‌دهد که جنگ ایران تاکنون موجب تمرکز کامل سرمایه‌ها در دارایی‌های کم‌ریسک نشده و برخی دولت‌های منطقه همچنان به دنبال بهره‌برداری از فرصت‌های رشد در اقتصادهای در حال توسعه هستند.

تداوم جریان سرمایه‌گذاری در شرایطی رخ می‌دهد که اقتصاد منطقه همزمان با پیامدهای مستقیم جنگ از جمله اختلال در حمل‌ونقل، کاهش فعالیت‌های گردشگری و افزایش هزینه‌های مبادلات تجاری مواجه شده است. با وجود این فشارها، صندوق‌های ثروت حاکمیتی

تلاش کرده‌اند برنامه‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت خود را حفظ کنند و از تغییرات کوتاه‌مدت بازار تأثیر نپذیرند.

در مجموع، عملکرد صندوق‌های ثروت حاکمیتی خلیج فارس نشان می‌دهد که جنگ ایران اگرچه هزینه‌هایی را بر اقتصاد منطقه تحمیل کرده، اما هنوز به تضعیف ظرفیت سرمایه‌گذاری خارجی دولت‌های نفتی منجر نشده است. این موضوع می‌تواند به حفظ جریان نقدینگی در بازارهای بین‌المللی و کاهش بخشی از نگرانی‌ها درباره آثار مالی جنگ بر اقتصاد کشورهای عربی منطقه کمک کند.

جنگ ایران و تضعیف نقش سرمایه‌های خلیج فارس در بازارهای جهانی

تحلیلی که در رویترز منتشر شده نشان می‌دهد جنگ ایران می‌تواند یکی از مهم‌ترین منابع تأمین نقدینگی بازارهای جهانی را تحت فشار قرار دهد. در دو دهه گذشته، سرمایه‌گذاران بین‌المللی به وجود آنچه در ادبیات مالی «گالف پوت» (Gulf Put) نامیده می‌شود عادت کرده بودند؛ مفهومی که به نقش صندوق‌های ثروت حاکمیتی کشورهای خلیج فارس به عنوان خریداران بزرگ دارایی‌های جهانی اشاره دارد. این صندوق‌ها در دوره‌های افت بازارها با تزریق سرمایه به سهام، اوراق قرضه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و پروژه‌های بزرگ، به حفظ ثبات بازارهای مالی کمک می‌کردند.

برآوردهای مؤسسه مالی بین‌المللی (IIF) نشان می‌دهد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۲۵ حدود ۴ تریلیون دلار دارایی خارجی در اختیار داشته‌اند. این منابع طی سال‌های اخیر به طور متوسط سالانه حدود ۱۵۰ میلیارد دلار ظرفیت سرمایه‌گذاری جدید برای بازارهای جهانی ایجاد کرده و به یکی از عوامل مهم تأمین مالی پروژه‌ها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری خصوصی و بازارهای دارایی در اقتصادهای توسعه‌یافته تبدیل شده است.

با این حال، جنگ ایران شرایط را تغییر داده است. انسداد تنگه هرمز و کاهش صادرات نفت می‌تواند مزاد حساب جاری کشورهای منطقه را به طور محسوسی کاهش دهد. بر اساس سناریوی بدبینانه مؤسسه IIF، مزاد حساب جاری کشورهای خلیج فارس در سال ۲۰۲۶ به حدود ۳.۳ درصد تولید ناخالص داخلی کاهش خواهد یافت. همچنین اگر اختلال در صادرات نفت برای شش ماه ادامه یابد، درآمدهای نفتی منطقه ممکن است حدود ۱۸۳ میلیارد دلار کاهش پیدا کند.

همزمان اولویت‌های هزینه‌ای دولت‌های منطقه نیز در حال تغییر است. برآوردها نشان می‌دهد بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده انرژی ممکن است تا ۵۸ میلیارد دلار هزینه در بر داشته باشد. علاوه بر این، احداث مسیرهای جدید صادرات انرژی برای دور زدن تنگه هرمز به دهه‌ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد و افزایش هزینه‌های دفاعی نیز فشار بیشتری بر منابع مالی دولت‌های منطقه وارد خواهد کرد.

در نتیجه، بخشی از سرمایه‌ای که پیش‌تر به بازارهای جهانی منتقل می‌شد احتمالاً در داخل منطقه هزینه خواهد شد. برآوردهای IIF نشان می‌دهد در سناریوی تشدید تنش‌ها، جریان خروج سرمایه از کشورهای خلیج فارس می‌تواند حدود یک‌سوم کاهش یابد و به ۲۴۵ میلیارد دلار برسد. همچنین ورود سرمایه خارجی به منطقه نیز ممکن است تا ۲۵ درصد افت کند که این امر توان مالی دولت‌ها برای سرمایه‌گذاری‌های برون‌مرزی را محدودتر خواهد کرد.

پیامدهای این تحول تنها به منطقه خلیج فارس محدود نمی‌شود. طی سال‌های گذشته صندوق‌های ثروت حاکمیتی عربستان، امارات و قطر در تأمین مالی بسیاری از معاملات بزرگ بین‌المللی، سرمایه‌گذاری در صندوق‌های خصوصی، بازار املاک و پروژه‌های زیرساختی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. کاهش توان سرمایه‌گذاری این کشورها می‌تواند دسترسی بازارهای جهانی به یکی از بزرگ‌ترین منابع نقدینگی جهان را محدود کند و بر ارزش‌گذاری دارایی‌ها اثر بگذارد.

اگرچه صندوق‌های بزرگی مانند اداره سرمایه‌گذاری ابوظبی (ADIA)، صندوق سرمایه‌گذاری قطر (QIA) و صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان (PIF) همچنان به فعالیت در

بازارهای جهانی ادامه خواهند داد، اما نشانه‌ها حاکی از آن است که بخشی از منابع مالی منطقه
بیش از گذشته به نیازهای داخلی اختصاص خواهد یافت. از این منظر، جنگ ایران نه تنها بر
تجارت انرژی و اقتصاد خاورمیانه اثرگذار بوده، بلکه می‌تواند نقش کشورهای خلیج فارس در
تأمین نقدینگی و حمایت از بازارهای مالی بین‌المللی را نیز تضعیف کند.

ایالات متحده آمریکا

جنگ ایران و فرسایش قدرت خرید خانوارهای آمریکایی

برآوردهای مؤسسه مودیز که از طریق شبکه سی‌ان‌بی‌سی منتشر شده نشان می‌دهد افزایش قیمت انرژی در پی جنگ ایران به یکی از اصلی‌ترین عوامل فشار بر بودجه خانوارهای آمریکایی تبدیل شده است. بر اساس این ارزیابی، هر خانوار به طور متوسط حدود ۴۵۰ دلار هزینه اضافی انرژی و سوخت متحمل شده که در مجموع نزدیک به ۶۰ میلیارد دلار بار مالی بر مصرف‌کنندگان تحمیل کرده است.

افزایش قیمت بنزین مهم‌ترین عامل این روند بوده و علاوه بر افزایش هزینه رفت و آمد، هزینه حمل و نقل کالاها را نیز بالا برده است. رشد قیمت گازوئیل نیز هزینه فعالیت ناوگان حمل و نقل و زنجیره توزیع را افزایش داده و به شکل غیرمستقیم بر قیمت کالاها و خدمات اثر گذاشته است. در همین حال افزایش هزینه سوخت هوایی نیز به رشد قیمت بلیت‌ها و کاهش بیشتر قدرت خرید خانوارها منجر شده است.

این فشار در شرایطی تشدید شده که رشد درآمد خانوارها متناسب با افزایش هزینه‌ها نبوده است. داده‌ها نشان می‌دهد رشد درآمدها در ماه‌های اخیر متوقف شده و بخش قابل توجهی از مصرف از محل کاهش پس‌انداز و افزایش استفاده از اعتبار تأمین می‌شود. افت نرخ پس‌انداز شخصی و افزایش بدهی کارتهای اعتباری نشانه‌ای از محدود شدن فضای مالی خانوارهاست. در صورت تداوم این وضعیت، احتمال تغییر رفتار مصرفی و افزایش احتیاط در هزینه‌کرد خانوارها وجود دارد که می‌تواند بر تقاضای کل اقتصاد آمریکا اثر منفی بگذارد. از آنجا که مصرف خانوارها بخش اصلی رشد اقتصادی این کشور را تشکیل می‌دهد، هرگونه تضعیف در این حوزه اهمیت قابل توجهی خواهد داشت.

در نهایت، آثار این فشار به شکل یکنواخت توزیع نشده و خانوارهای کم‌درآمد به دلیل سهم بالاتر هزینه‌های انرژی در سبد مصرفی، آسیب بیشتری را تجربه کرده‌اند. در نتیجه جنگ

ایران نه تنها از مسیر بازار انرژی بلکه از طریق کاهش قدرت خرید، به یکی از عوامل اثرگذار بر چشم‌انداز اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۲۶ تبدیل شده است.

بازنگری آمار رشد اقتصادی آمریکا؛ جنگ ایران و سرمایه‌گذاری‌های هوش مصنوعی در کانون توجه

بر اساس ارزیابی منتشرشده از سوی رسانه اقتصادی Marketplace، بازنگری نخست آمار تولید ناخالص داخلی آمریکا در سه ماهه اول سال ۲۰۲۶ می‌تواند تصویر دقیق‌تری از اثر جنگ ایران بر اقتصاد این کشور ارائه دهد. برآورد اولیه رشد ۲ درصدی را نشان می‌دهد، اما داده‌های تکمیلی به‌ویژه مربوط به ماه مارس (نخستین ماه کامل پس از آغاز جنگ) ممکن است این تصویر را تعدیل کند.

در بخش تجارت خارجی، افزایش قیمت جهانی انرژی ارزش صادرات نفت و گاز آمریکا را بالا برده و حتی بدون افزایش حجم صادرات نیز به رشد تولید ناخالص داخلی کمک کرده است. در مقابل، افزایش واردات بخشی از این اثر مثبت را خنثی کرده و فشار کاهشی بر رشد وارد کرده است.

در بخش سرمایه‌گذاری، تمرکز اصلی بر توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی است. سرمایه‌گذاری در مراکز داده و تجهیزات مرتبط به یکی از محرک‌های مهم رشد تبدیل شده و همراه با افزایش موجودی انبارها به تقویت فعالیت اقتصادی کمک کرده است.

هزینه‌های دولت نیز در این دوره نقش حمایتی داشته و بخشی از کاهش احتمالی رشد را جبران کرده است. این اثر عمدتاً از مسیر افزایش مخارج عمومی و هزینه‌های مرتبط با تحولات امنیتی تقویت شده است.

با این حال مصرف خانوارها همچنان عامل کلیدی در چشم‌انداز اقتصاد آمریکا محسوب می‌شود. اگرچه افت شدیدی در مصرف مشاهده نشده، اما کاهش شتاب آن نشان می‌دهد بخشی از فشار هزینه‌ها در حال اثرگذاری بر رفتار مصرفی است.

در مجموع، اقتصاد آمریکا همچنان در مسیر رشد قرار دارد، اما این رشد بیش از گذشته به صادرات انرژی، سرمایه‌گذاری فناوری و هزینه‌های دولت وابسته شده است. بازنگری آمار GDP نشان دهد جنگ ایران چگونه همزمان برخی بخش‌ها را تقویت و از طریق فشار بر مصرف و واردات، بخشی از شتاب رشد را محدود کرده است.

جنگ ایران و اختلال در تنگه هرمز و فشار فزاینده بر هزینه‌های زندگی در اقتصاد آمریکا

بر اساس نظرسنجی منتشرشده توسط پایگاه خبری Politico و تحلیل‌های همراه آن از وضعیت اقتصاد ایالات متحده، بخش قابل توجهی از افکار عمومی این کشور بر این باورند که جنگ با ایران و پیامدهای ناشی از آن به افزایش محسوس هزینه‌های روزمره زندگی منجر شده است. این نظرسنجی که در بازه زمانی ماه مه انجام شده، نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند دولت ایالات متحده در مهار اثرات اقتصادی جنگ بر معیشت خانوارها موفق عمل نکرده است. در این میان، نگرانی درباره افزایش هزینه‌های زندگی به یک متغیر مشترک میان رأی‌دهندگان دو حزب اصلی تبدیل شده و فشار اقتصادی ناشی از آن در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای به یک مسئله سیاسی مهم تبدیل شده است.

در سطح کلان اقتصادی، گزارش تأکید می‌کند که افزایش قیمت‌ها به ویژه در بخش انرژی، با اختلال در زنجیره تأمین جهانی مرتبط با محدودیت‌های ایجاد شده در مسیر تنگه هرمز همزمان شده است. این اختلال که در پی تشدید تنش‌های نظامی در منطقه شکل گرفته، موجب افزایش قیمت سوخت در بازار داخلی آمریکا و انتقال فشار تورمی به مصرف‌کنندگان شده است. در این چارچوب، رشد قیمت بنزین به عنوان یکی از نشانه‌های مستقیم اثرگذاری بحران بر اقتصاد خانوارها مورد توجه قرار گرفته است.

در ادامه این تحلیل آمده است که بخش مهمی از فشارهای اقتصادی فعلی در آمریکا به نااطمینانی در مسیر تجارت انرژی و نوسان در بازار جهانی نفت مرتبط است. این وضعیت باعث شده نگرانی درباره تداوم افزایش هزینه‌های زندگی به یکی از محورهای اصلی ارزیابی عملکرد

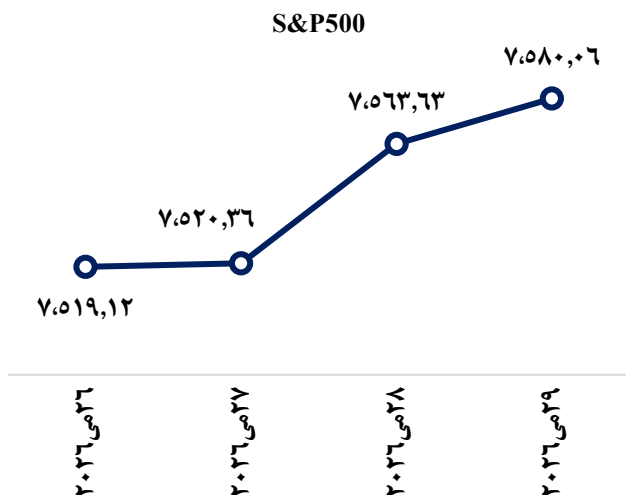
دولت در افکار عمومی تبدیل شود و شکاف میان انتظارات اقتصادی و واقعیت‌های بازار افزایش یابد.

در جمع بندی این گزارش، بازگشت احتمالی به ثبات در مسیرهای حمل و نقل انرژی و کاهش تنش‌های منطقه‌ای به عنوان عامل کلیدی در مهار فشارهای تورمی و تعدیل انتظارات اقتصادی در آمریکا ارزیابی شده است.

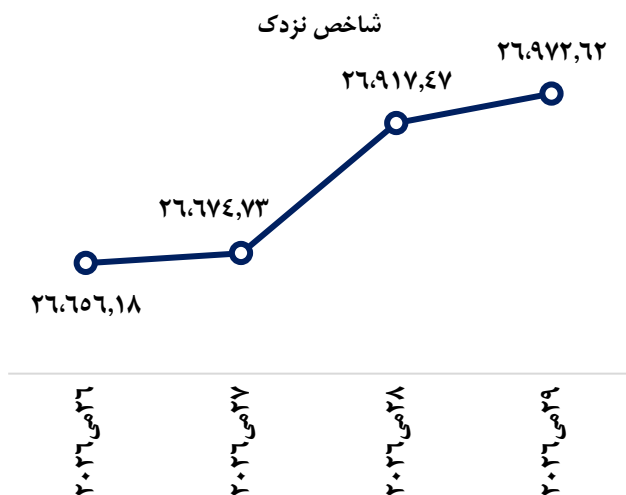
نمای بازارهای آمریکا

روز دوشنبه ۲۵ می ۲۰۲۶ به عنوان اولین روز معاملاتی هفته به دلیل روز یادبود که همه ساله مصادف با آخرین دوشنبه ماه می است، تعطیل بود. این روز به بزرگداشت و یادبود مردان و زنانی اختصاص دارد که در حین خدمت در نیروهای مسلح ایالات متحده جان خود را از دست داده‌اند.

شاخص S&P 500 طی این هفته نیز روند صعودی خود را ادامه داد و با ثبت هشت هفته صعود پیوسته، رکوردی را بر جای گذاشت که در ۳۰ ماه گذشته بی‌سابقه بوده است. عامل اصلی این رشد، امیدواری‌ها به حل بحران خاورمیانه و کاهش بازدهی اوراق قرضه بود. همچنین، عملکرد شرکت‌های بزرگ فناوری مانند انویدیا و دل در حوزه سرورهای هوش مصنوعی، جو مثبتی را در کل بازار ایجاد کرد. انتصاب کوین وارش به عنوان رئیس جدید فدرال رزرو نیز از دیگر رویدادهای مهمی بود که به ادامه این مسیر صعودی کمک کرد چرا که معامله‌گران و سرمایه‌گذاران با تغییر سیاست‌گذار پولی، انتظار مدیریت تورم و نرخ بهره را دارند.

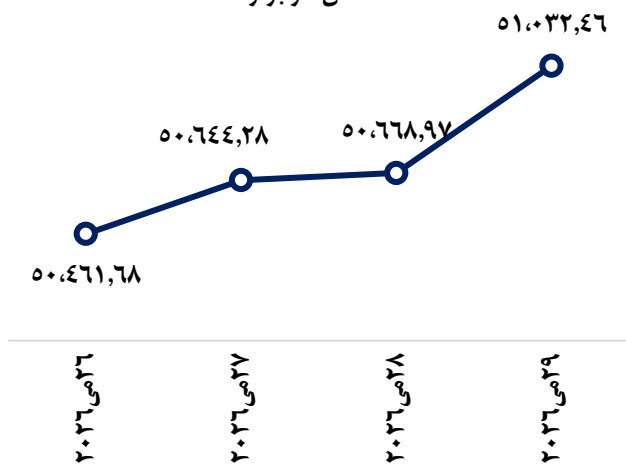


نزدک در این هفته به عنوان بسیار تحت تأثیر شرکت‌های فعال در زمینه هوش مصنوعی بود و از سطح ۲۶,۶۵۶ واحد در روز سه‌شنبه به ۲۶,۹۷۲ واحد در پایان روز جمعه صعود کرد. بیشترین رشد نزدک در هفته مورد بررسی در روز سه‌شنبه با رشد ۱.۱۹ درصدی بود که به دلیل درآمدهای بیش از انتظار شرکت‌هایی مانند دل و انویدیا رقم خورد. اخبار مربوط به پیشرفت در مذاکرات صلح و احتمال کاهش هزینه‌های انرژی نیز به تقویت بخش تکنولوژی کمک کرد و باعث شد نزدک ماه می را در بالاترین سطح تاریخی خود به پایان برساند.



شاخص داوجونز نیز مانند دیگر شاخص‌های وال استریت طی هفته مورد بررسی صعودی بود و برای نخستین بار از مرز ۵۱,۰۰۰ واحد عبور کرد. البته این شاخص در روز سه‌شنبه اندکی کاهش یافت اما در روزهای بعد تحت تأثیر گزارش‌های مثبت توافق میان تهران و واشینگتن، روند افزایشی به خود گرفت و در روز جمعه به ۵۱,۰۳۲.۴۶ واحد رسید.

شاخص داو جونز



بازتاب امید به آتش بس ایران و آمریکا در بازارهای جهانی و بازتعریف مسیرهای تجاری

بر اساس گزارش منتشرشده در Asharq Al Awsat، بازارهای مالی آسیا در پی افزایش امیدها به توافق آتش بس میان ایران و آمریکا با رشد قابل توجه مواجه شدند و همزمان قیمت جهانی نفت کاهش یافت؛ روندی که ناشی از انتظار بازار برای کاهش ریسک اختلال در تنگه هرمز و بازگشت نسبی جریان عادی انرژی ارزیابی می شود.

طبق این گزارش، شاخص های بورسی در بازارهای توکیو، سئول و تایپه بیش از ۲ درصد رشد کردند، در حالی که قیمت نفت برنت حدود ۰.۹ درصد کاهش یافت و به حوالی ۹۳ دلار در هر بشکه رسید. این تغییرات همزمان با انتشار سیگنال هایی از پیشرفت مذاکرات برای تمدید آتش بس ۶۰ روزه میان واشنگتن و تهران رخ داده است.

در بخش انرژی، کاهش قیمت نفت به عنوان نشانه ای از تعدیل «پرپیوم جنگی» در بازار تلقی شده، هرچند تحلیل ها تأکید دارند که این وضعیت همچنان به تصمیمات سیاسی و به ویژه موضع گیری نهایی دولت آمریکا وابسته است.

در سطح اقتصاد جهانی، همزمان با کاهش تنش ها، برخی داده های اقتصادی نشان می دهد که اثرات جنگ ایران همچنان در زیرساخت تجارت جهانی باقی مانده است. از جمله، اختلال در مسیرهای کشتیرانی و تغییر الگوهای لجستیکی باعث شده برخی کشورها مانند مصر از افزایش ترافیک بندری و رشد فعالیت های ترانزیتی منتفع شوند، در حالی که درآمدهای سنتی مانند عبور از کانال سوئز تحت فشار قرار گرفته است.

در مجموع، این تحولات نشان می‌دهد که بازارها به شدت به سیگنال‌های سیاسی مرتبط با جنگ ایران حساس شده‌اند و هرگونه احتمال کاهش تنش، بلافاصله در قیمت انرژی، جریان سرمایه و مسیرهای تجاری جهانی بازتاب پیدا می‌کند.

افزایش نگرانی‌ها نسبت به تبعات اقتصادی تداوم جنگ ایران در ترکیه

بر اساس ارزیابی منتشرشده توسط رسانه Hispanatolia و همزمان با هشدارهای مطرح‌شده از سوی مقامات ترکیه، نگرانی‌ها درباره پیامدهای اقتصادی تداوم جنگ ایران وارد مرحله تازه‌ای شده است. در این چارچوب، رجب طیب اردوغان معتقد است دامنه آثار این درگیری دیگر محدود به بازیگران مستقیم منطقه نیست و اکنون به عاملی برای تضعیف ثبات اقتصادی در سطح بین‌المللی تبدیل شده است.

این هشدار در شرایطی مطرح می‌شود که بازارهای جهانی همچنان با نااطمینانی ناشی از وضعیت تنگه هرمز، نوسانات قیمت انرژی و اختلال در مسیرهای تجاری مواجه هستند. بسیاری از برآوردها نشان می‌دهد هرگونه تداوم محدودیت در جریان صادرات نفت و گاز از خلیج فارس می‌تواند فشارهای تورمی را در اقتصادهای واردکننده انرژی تشدید کند و هزینه تولید و حمل‌ونقل را در بخش‌های مختلف افزایش دهد.

همزمان، نهادهای مالی اروپایی نیز نسبت به آثار ثانویه این بحران هشدار داده‌اند. بر اساس گزارش اخیر بانک مرکزی اروپا، تداوم جنگ می‌تواند از مسیر افزایش هزینه‌های انرژی، رشد اقتصادی کشورهای اروپایی را تضعیف کرده و فشار بیشتری بر بودجه دولت‌ها و بازارهای مالی وارد کند. این گزارش همچنین نسبت به افزایش هزینه استقراض و شکل‌گیری ریسک‌های جدید برای ثبات مالی هشدار داده است.

در چنین شرایطی، نگرانی اصلی تنها به بازار نفت محدود نمی‌شود. استمرار نااطمینانی می‌تواند بر تصمیمات سرمایه‌گذاری، تجارت بین‌المللی و برنامه‌ریزی بنگاه‌های اقتصادی نیز اثر بگذارد. به همین دلیل، بخشی از تحلیلگران معتقدند طولانی شدن جنگ ممکن است به تدریج به

عاملی بازدارنده برای رشد اقتصادی جهانی تبدیل شود؛ وضعیتی که آثار آن از بازار انرژی فراتر رفته و زنجیره‌های تأمین، بازارهای مالی و جریان تجارت جهانی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

تقویت ین ژاپن در سایه امید به کاهش تنش‌های ایران و آمریکا

بر اساس تحلیلی که توسط FXStreet منتشر شده است، نشانه‌های مربوط به کاهش تنش میان ایران و آمریکا و احتمال تثبیت آتش‌بس، موجب تغییر بخشی از انتظارات بازارهای مالی شده و بر روند معاملات ارزهای بین‌المللی اثر گذاشته است. در این فضا، ین ژاپن توانسته بخشی از فشارهای اخیر را جبران کند و در برابر دلار آمریکا تقویت شود.

این تغییر جهت در بازار ارز همزمان با کاهش نسبی نگرانی‌ها درباره اختلال گسترده در جریان انرژی و تجارت دریایی رخ داده است. در هفته‌های گذشته، تشدید درگیری‌ها و نااطمینانی نسبت به وضعیت تنگه هرمز موجب افزایش تقاضا برای دلار و رشد فشار بر ارز کشورهای واردکننده انرژی شده بود. با این حال، انتشار اخبار مرتبط با پیشرفت مذاکرات و احتمال بازگشت تدریجی ثبات به مسیرهای تجاری باعث تعدیل بخشی از این نگرانی‌ها شده است. برای اقتصاد ژاپن، تحولات مربوط به جنگ ایران اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا این کشور بخش قابل توجهی از نیاز انرژی خود را از واردات تأمین می‌کند. در نتیجه، هرگونه کاهش ریسک در بازار نفت می‌تواند فشار بر هزینه واردات، انتظارات تورمی و تراز تجاری این کشور را تا حدی کاهش دهد. همین موضوع یکی از عوامل حمایت‌کننده از ین در روزهای اخیر ارزیابی می‌شود.

با وجود این، تحلیلگران معتقدند بازار همچنان نسبت به پایداری آتش‌بس با احتیاط برخورد می‌کند. هرگونه بازگشت تنش یا اختلال دوباره در مسیرهای انتقال انرژی می‌تواند بار دیگر جریان سرمایه را به سمت دارایی‌های امن هدایت کرده و نوسانات بازار ارز را تشدید کند. به همین دلیل، روند آتی ین و دلار همچنان تا حد زیادی به تحولات سیاسی و امنیتی منطقه وابسته باقی مانده است.

کند شدن نشانه‌های فعالیت اقتصادی هند در سایه نااطمینانی ناشی از جنگ ایران

بر اساس تحلیلی که در یک گزارش ویدئویی با استناد به ارزیابی مؤسسه CRISIL منتشر شده است، بخشی از شاخص‌های مرتبط با حمل‌ونقل و تردد جاده‌ای در هند نشانه‌هایی از کاهش شتاب فعالیت اقتصادی را نشان می‌دهند؛ روندی که همزمان با افزایش نااطمینانی‌های ناشی از جنگ ایران و رشد هزینه‌های انرژی مورد توجه تحلیلگران قرار گرفته است.

در این ارزیابی، کاهش آهنگ رشد درآمدهای حاصل از عوارض جاده‌ای به عنوان یکی از نشانه‌های تعدیل فعالیت در بخش‌های وابسته به حمل‌ونقل و لجستیک مطرح شده است. اگرچه اقتصاد هند همچنان از ظرفیت بالایی تقاضای داخلی برخوردار است، اما افزایش قیمت سوخت و رشد هزینه‌های جابه‌جایی کالا می‌تواند فشار مضاعفی بر زنجیره تأمین و هزینه تولید وارد کند.

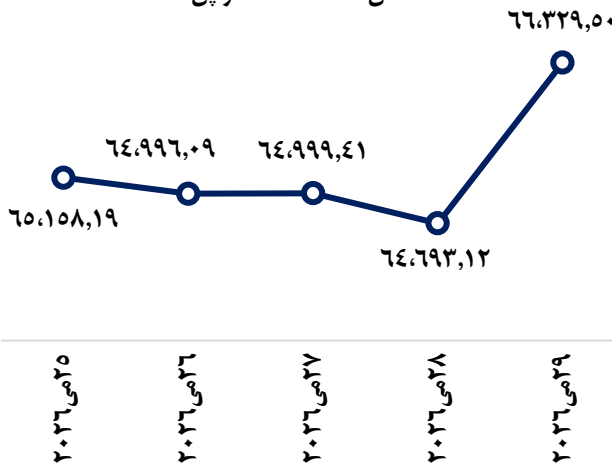
همزمان، تداوم تنش‌ها در خلیج فارس برای اقتصادهایی مانند هند که وابستگی قابل توجهی به واردات انرژی دارند، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. هرگونه اختلال در مسیرهای انتقال نفت و گاز یا افزایش ماندگار قیمت انرژی می‌تواند تراز تجاری، هزینه واردات و انتظارات تورمی را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، بخشی از فشار اقتصادی نه از مسیر کاهش تقاضا بلکه از کانال افزایش هزینه‌ها به اقتصاد منتقل می‌شود.

تحلیلگران معتقدند اگر نااطمینانی‌های منطقه‌ای ادامه پیدا کند، فشار بر بخش‌های حمل‌ونقل، صنایع انرژی‌بر و بنگاه‌های وابسته به تجارت خارجی افزایش خواهد یافت. این روند می‌تواند برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را با احتیاط بیشتری همراه کرده و بخشی از رشد اقتصادی پیش‌بینی‌شده برای اقتصادهای واردکننده انرژی را تحت تأثیر قرار دهد.

نمای بازارهای آسیا

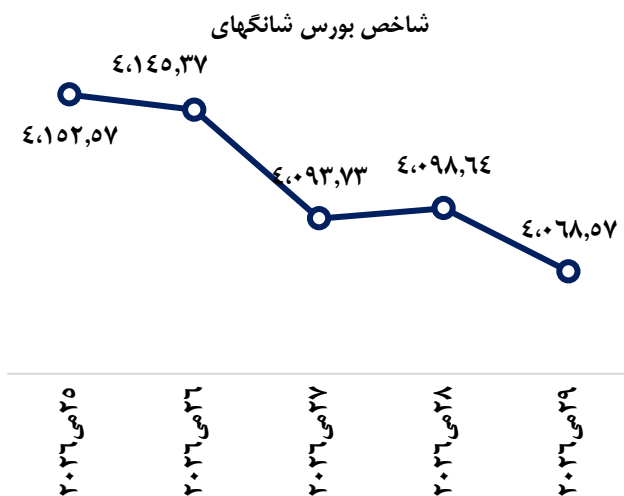
شاخص نیکئی ژاپن هفته پرنوسانی را سپری کرد و در روز جمعه با رشد ۲.۵۳ درصدی در سطح ۶۶,۳۲۹.۵۰ واحد هفته مورد بررسی را به پایان برد. این شاخص در ابتدای هفته برای اولین بار از مرز ۶۵,۰۰۰ واحد عبور کرد اما در میانه هفته به دلیل انتشار اخبار حملات نظامی جدید ایالات متحده علیه اهدافی در منطقه، بخشی از این رشد را از دست داد. با این حال، در روز جمعه همسو با تغییراتی که شرکت‌های حوزه فناوری در شاخص‌های وال استریت ایجاد کردند و نیز خوش‌بینی دوباره به صلح، صعودی شد.

شاخص Nikkei 225 ژاپن



شاخص بورس شانگهای در پایان هفته با کاهش ۰.۷۳ درصدی به سطح ۴,۰۶۸.۵۷ واحد رسید. به نظر می‌رسد این شاخص برخلاف بورس‌های آمریکا و ژاپن که تحت تأثیر هیجان هوش مصنوعی بودند، نسبت به اخبار نظامی منطقه حساسیت بیشتری داشته است. حملات نظامی ایالات متحده در اواسط هفته باعث شد سرمایه‌گذاران در شانگهای با احتیاط بیشتری

عمل کنند و نگرانی از اختلال در زنجیره تأمین جهانی منجر به خروج مقطعی پول از این بازار در روز جمعه شد.



افزایش هزینه جنگ برای اقتصاد جهانی از بازار انرژی تا معیشت خانوارها

بررسی منتشرشده از سوی مؤسسه کوئینسی و داده‌های بین‌المللی از جمله آژانس بین‌المللی انرژی و برنامه جهانی غذا نشان می‌دهد آثار اقتصادی جنگ ایران از بازار انرژی فراتر رفته و به فشار بر رشد اقتصادی، تورم و امنیت غذایی در سطح جهانی تبدیل شده است. اختلال در صادرات انرژی از خلیج فارس موجب افزایش قیمت نفت شده و اگرچه استفاده از ذخایر راهبردی و افزایش تولید در برخی مناطق از جهش شدیدتر قیمت‌ها جلوگیری کرده، اما کاهش ذخایر جهانی نگرانی‌ها را افزایش داده است.

بیشترین فشار این شرایط در اقتصادهای در حال توسعه دیده می‌شود. افزایش هزینه سوخت، کود و حمل و نقل به خانوارهای کم درآمد فشار وارد کرده و همزمان هزینه مواد غذایی و کالاهای اساسی را بالا برده است. در برخی کشورها این وضعیت به تنش‌های اجتماعی و در برخی دیگر به تضعیف فعالیت بنگاه‌های کوچک و بازار کار منجر شده است. همچنین برآوردهای بین‌المللی نشان می‌دهد خطر افزایش ناامنی غذایی در حال تشدید است.

در اقتصادهای نوظهور نیز فشارهای مالی افزایش یافته است. رشد قیمت نفت باعث افزایش کسری تجاری، تضعیف ارزهای ملی و کاهش ذخایر ارزی شده و برخی دولت‌ها را به مداخله در بازار ارز و اعمال محدودیت‌های تجاری سوق داده است.

در اقتصادهای پیشرفته نیز آثار این بحران قابل مشاهده است. اروپا با فشار تورمی و نگرانی از رکود تورمی مواجه شده و در آمریکا نیز افزایش هزینه انرژی و مواد غذایی، فشار بر خانوارها و سیاست پولی را تشدید کرده است. در کنار آن بخش کشاورزی نیز با رشد هزینه تولید روبه‌رو شده است.

در مجموع، جنگ ایران از یک شوک انرژی فراتر رفته و از مسیر تجارت، قیمت مواد غذایی و بازارهای مالی به اقتصاد جهانی سرایت کرده است. ادامه این روند می‌تواند فشار بر تورم جهانی، نرخ‌های بهره و رشد اقتصادی را در سطح گسترده‌تری افزایش دهد.

میراث اقتصادی جنگ ایران فراتر از شوک نفتی

تحلیل منتشرشده از سوی مؤسسه توسعه فرامرزی (ODI) نشان می‌دهد آثار اقتصادی جنگ ایران فراتر از افزایش موقت قیمت نفت خواهد بود و می‌تواند در سال‌های آینده بر ساختار اقتصاد جهانی تأثیر بگذارد. این بحران علاوه بر تشدید فشارهای تورمی و کاهش رشد اقتصادی، هزینه فعالیت اقتصادی را برای دولت‌ها و بنگاه‌ها افزایش داده است.

به باور این مؤسسه، یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ، افزایش ریسک در تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی است. در نتیجه، دولت‌ها و شرکت‌ها ناچارند منابع بیشتری را به امنیت انرژی، تنوع بخشی به زنجیره‌های تأمین و ایجاد ذخایر احتیاطی اختصاص دهند. این روند اگرچه تاب‌آوری اقتصادها را افزایش می‌دهد، اما هزینه تولید و تجارت را نیز بالا می‌برد.

همزمان، افزایش نااطمینانی‌های بین‌المللی می‌تواند به رشد هزینه‌های دفاعی و استقراض دولت‌ها منجر شود. این مسئله فشار بیشتری بر بودجه عمومی وارد کرده و احتمال تداوم نرخ‌های بهره بالا را افزایش می‌دهد.

بر این اساس، حتی در صورت کاهش تنش‌ها و بازگشت نسبی بازار انرژی به شرایط عادی، بخشی از آثار جنگ در قالب هزینه‌های بالاتر، رشد اقتصادی ضعیف‌تر و تغییر الگوهای تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی باقی خواهد ماند.

افزایش فشارهای تورمی و اختلال در زنجیره جهانی انرژی در پی جنگ ایران

بر اساس تحلیلی منتشر شده در *In Defence of Marxism*^۶، جنگ ایران با ایجاد اختلال در جریان نفت و فرآورده‌های انرژی از مسیر تنگه هرمز، به یکی از عوامل اصلی افزایش فشار بر بازار جهانی انرژی تبدیل شده است. کاهش عرضه نفت و ظرفیت پالایشی، قیمت انرژی را در سطح بالاتری نسبت به قبل از جنگ تثبیت کرده، هرچند استفاده از ذخایر استراتژیک و افزایش تولید برخی کشورها از جهش شدیدتر قیمت‌ها جلوگیری کرده است. افزایش قیمت انرژی به سرعت به بخش‌های دیگر اقتصاد سرایت کرده و هزینه حمل و نقل، مواد شیمیایی و نهادهای کشاورزی را بالا برده است. این موضوع فشار قابل توجهی بر تولید جهانی غذا وارد کرده و نگرانی‌ها درباره کاهش تولید برخی محصولات اساسی را افزایش داده است.

در سطح کلان، این شوک در شرایطی رخ می‌دهد که اقتصاد جهانی پیش‌تر نیز با تورم بالا، بدهی سنگین و ضعف رشد مواجه بوده است. در نتیجه، سیاست‌های پولی با محدودیت بیشتری روبه‌رو شده و فضای مانور بانک‌های مرکزی کاهش یافته است.

پیامدهای این وضعیت در اقتصادهای در حال توسعه شدیدتر بوده و از مسیر افزایش کسری تجاری، تضعیف ارزها و کاهش ذخایر ارزی به بی‌ثباتی مالی منجر شده است. در برخی کشورها نیز مداخلات ارزی و محدودیت واردات برای کنترل فشارها افزایش یافته است.

در مجموع، این تحلیل جنگ ایران را عاملی می‌داند که روندهای پیشین اقتصاد جهانی را تشدید کرده و موجب افزایش ناپایداری در بازار انرژی، تشدید تورم و افزایش ریسک رکود در اقتصاد جهانی شده است.

^۶ رسانه‌ای که به جریان‌های مارکسیستی و چپ رادیکال نزدیک است و معمولاً تحلیل‌های کلان اقتصادی را از زاویه نقد نظام سرمایه‌داری ارائه می‌کند.

اختلال تنگه هرمز و تشدید فشارهای تورمی در اقتصاد جهانی

بر اساس تحلیلی منتشرشده در پایگاه خبری Al Arabiya، ادامه تنش‌های مرتبط با جنگ ایران و اختلال در مسیرهای کشتیرانی در تنگه هرمز اثرات گسترده‌ای بر اقتصاد جهانی بر جای گذاشته و زنجیره تأمین انرژی و کالاهای اساسی را با شوک همزمان قیمتی و کمبود عرضه مواجه کرده است.

این تحلیل نشان می‌دهد که حدود یک پنجم تجارت جهانی نفت و گاز مایع از مسیر تنگه هرمز عبور می‌کند و هرگونه محدودیت در این مسیر به سرعت به بازارهای انرژی، کودهای شیمیایی و مواد اولیه صنعتی منتقل می‌شود. در این چارچوب، افزایش قیمت کود و کاهش دسترسی برخی کشورها به نهاده‌های کشاورزی از مهم‌ترین پیامدهای اختلال در این مسیر عنوان شده است که می‌تواند به کاهش سطح زیر کشت و فشار بر امنیت غذایی در اقتصادهای در حال توسعه منجر شود.

در سطح کلان، این وضعیت موجب بازنگری در برآوردهای رشد اقتصادی جهانی شده و سناریوهای بدبینانه حتی احتمال ورود اقتصاد جهانی به رکود را مطرح کرده‌اند. همزمان، افزایش نااطمینانی در بازار انرژی موجب نوسان شدید قیمت نفت شده و فضای تصمیم‌گیری را برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به شدت دشوار کرده است.

در مجموع، گزارش تأکید می‌کند که تداوم محدودیت در تنگه هرمز نه تنها فشارهای تورمی را تشدید می‌کند، بلکه از طریق اختلال در عرضه انرژی و کودهای شیمیایی، اثرات آن به صورت زنجیره‌ای به بخش‌های کشاورزی، حمل و نقل و صنایع جهانی منتقل می‌شود.

جنگ خاورمیانه و گسترش اختلال ساختاری در امنیت

غذایی، آب و اقتصاد جهانی

بر اساس تحلیل منتشرشده در مرکز پژوهشی Observer Research Foundation، تداوم بحران ایران و تنش‌های منطقه‌ای موجب شکل‌گیری اختلالات پایدار در زنجیره‌های تأمین

جهانی شده که فراتر از نفت و گاز، بخش‌های صنعتی، کشاورزی و زیرساختی را نیز درگیر کرده است.

این گزارش تأکید می‌کند که افزایش نااطمینانی در مسیرهای حمل و نقل و تجارت دریایی، همراه با هزینه‌های بیمه و حمل بالاتر، به افزایش قیمت تمام شده کالاها و کاهش کارایی لجستیک جهانی منجر شده است. همزمان، آسیب‌پذیری در بخش هوانوردی نیز با محدودیت سوخت و افزایش ریسک‌های عملیاتی، فشار مضاعفی بر حمل و نقل بین‌المللی ایجاد کرده است.

در حوزه امنیت غذایی، وابستگی برخی کشورها به واردات کودهای شیمیایی و نهاده‌های کشاورزی از منطقه خلیج فارس، موجب افزایش حساسیت تولید جهانی غذا شده و تغییر در تصمیم‌های کشت و الگوهای تولید کشاورزی را به همراه داشته است. در بخش امنیت آبی نیز آسیب به زیرساخت‌ها و وابستگی بالای برخی کشورها به فناوری نمک‌زدایی، ریسک‌های جدیدی را در مدیریت منابع آب ایجاد کرده است.

در سطح کلان، این مجموعه اختلالات به کاهش رشد اقتصادی، افزایش فشارهای تورمی و تضعیف ظرفیت سرمایه‌گذاری در اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی منجر شده و در عین حال نااطمینانی بلندمدت در بازارهای کالایی و انرژی را تقویت کرده است.

در جمع بندی، گزارش نتیجه می‌گیرد که پیامدهای این بحران صرفاً مقطعی نیست و به شکل یک اختلال ساختاری در امنیت انسانی و اقتصادی باقی خواهد ماند، مگر آنکه سازوکارهای جدیدی برای تاب آوری زنجیره تأمین و مدیریت ریسک‌های منطقه‌ای ایجاد شود.

جنگ‌های ژئوپلیتیکی و شکل‌گیری انتظارات تورمی در اقتصاد اروپا

بر اساس تحلیل منتشرشده در وبلاگ بانک مرکزی اروپا، شوک‌های ژئوپلیتیکی ناشی از جنگ اوکراین و درگیری ایران به‌طور قابل توجهی بر انتظارات تورمی و رشد اقتصادی خانوارهای منطقه یورو اثر گذاشته است. داده‌های پیمایش انتظارات مصرف‌کنندگان نشان می‌دهد که این

شوکیها در کوتاه‌مدت موجب افزایش انتظارات تورمی و کاهش پیش‌بینی رشد اقتصادی شده و الگوی ذهنی خانوارها را به سمت درک شرایط هم‌زمان تورمی و رکودی سوق داده‌اند. در مقایسه دو دوره، واکنش به جنگ ایران در سال ۲۰۲۶ در همان مسیر جنگ اوکراین قرار دارد، اما شدت آن اندکی کمتر بوده که بخشی از آن به سطح متفاوت انتظارات تورمی پیش از شوک بازمی‌گردد. با این حال، افزایش انتظارات میان‌مدت و تغییر توزیع انتظارات نشان می‌دهد که خانوارها از ابتدا در سطح بالاتری از نگرانی تورمی قرار داشته‌اند. این تحلیل تأکید می‌کند که تجربه تورم بالا در دوره پساکرونا و تداوم تنش‌های ژئوپلیتیکی نوعی اثر انباشته بر ادراک اقتصادی ایجاد کرده است که حساسیت خانوارها به شوک‌های جدید را افزایش می‌دهد. شواهد رفتاری نیز نشان می‌دهد توجه به قیمت‌ها حتی پس از کاهش تورم کاهش نیافته و با آغاز جنگ ایران دوباره افزایش یافته است، در حالی که نگرانی درباره اثر جنگ‌ها بر وضعیت مالی خانوارها همچنان بالا باقی مانده است. در نهایت، نقش اعتماد به بانک مرکزی اروپا به عنوان عامل تثبیت‌کننده انتظارات برجسته شده است؛ به‌گونه‌ای که اعتماد بالاتر موجب تعدیل واکنش به شوک‌های ژئوپلیتیکی و کاهش انحراف انتظارات تورمی می‌شود. بر این اساس، ارتباطات سیاستی و اعتبار نهادی به‌عنوان ابزارهای کلیدی برای جلوگیری از سرایت شوک‌های سیاسی به انتظارات اقتصادی معرفی می‌شوند.

آفریقای جنوبی و افزایش آسیب‌پذیری انرژی در پی جنگ ایران

بر اساس تحلیل منتشرشده در The Conversation و داده‌های اقتصاد انرژی در The Common Sense، جنگ ایران از طریق اختلال در تنگه هرمز و کاهش عرضه جهانی نفت، فشار قابل توجهی بر بازار سوخت آفریقای جنوبی وارد کرده است؛ کشوری که واردکننده کامل نفت و وابسته به واردات بیش از ۸۰ درصد سوخت مصرفی خود است.

این گزارش‌ها نشان می‌دهد کاهش عرضه جهانی نفت در جریان جنگ ایران، حدود ۷.۵ تا ۱۰.۱ درصد از بازار جهانی را تحت تأثیر قرار داده و به افزایش هزینه واردات انرژی برای آفریقای جنوبی منجر شده است. نتیجه مستقیم این وضعیت، افزایش قیمت داخلی سوخت و تشدید فشارهای یارانه‌ای دولت بوده است.

از منظر تاب‌آوری انرژی، ذخایر استراتژیک نفت خام آفریقای جنوبی در حدود ۷.۷ تا ۸ میلیون بشکه برآورد می‌شود که تنها پاسخگوی حدود ۱۳ تا ۱۸ روز مصرف داخلی است، در حالی که استاندارد بین‌المللی ۹۰ روز واردات را هدف قرار می‌دهد. این شکاف، ریسک تأمین انرژی کشور را در شرایط بحران به‌طور جدی افزایش داده است.

در کنار این موضوع، تمرکز ذخایر در بنادر ساحلی و ضعف شبکه انتقال داخلی، توان واکنش سریع به شوک‌های عرضه را محدود کرده و وابستگی ساختاری به بازار جهانی نفت را تشدید کرده است.

در مجموع، جنگ ایران برای آفریقای جنوبی نه صرفاً یک شوک قیمتی، بلکه عاملی تشدیدکننده در آسیب‌پذیری ساختاری بخش انرژی این کشور محسوب می‌شود.

فشار مالی ناشی از جنگ ایران و توقف بخشی از هزینه‌های دولت فرانسه

بر اساس گزارش منتشرشده در اسلام تایمز و به نقل از داده‌های وزارت اقتصاد و دارایی فرانسه، دولت پاریس در واکنش به پیامدهای اقتصادی جنگ ایران و افزایش فشارهای بودجه‌ای، نزدیک به ۴ میلیارد یورو از هزینه‌های عمومی خود را متوقف کرده است. این اقدام در ادامه نگرانی‌های گسترده‌تر نسبت به اثرات اختلالات انرژی و افزایش هزینه‌های منطقه‌ای انجام شده است.

طبق این گزارش، دولت فرانسه حدود ۳.۲ میلیارد یورو از اعتبارات بودجه‌ای را مسدود کرده و نزدیک به ۸۴۷ میلیون یورو دیگر را نیز حذف کرده است. بخش عمده وزارتخانه‌ها تحت تأثیر

این تصمیم قرار گرفته‌اند، در حالی که بودجه‌های دفاع و دادگستری از این کاهش‌ها مستثنی شده‌اند.

در این تحلیل همچنین اشاره شده است که افزایش قیمت انرژی و اختلال در مسیرهای تأمین از جمله پیامدهای تنش در تنگه هرمز، فشار مضاعفی بر اقتصاد فرانسه وارد کرده و هم‌زمان رشد اقتصادی این کشور در فصل نخست سال به سطح نزدیک به صفر رسیده است. در کنار آن، پیش‌بینی می‌شود تورم در ماه‌های آینده به محدوده ۴ تا ۵ درصد افزایش یابد. در مجموع، این اقدامات نشان می‌دهد که جنگ ایران نه تنها بر بازار انرژی جهانی اثر گذاشته، بلکه به صورت مستقیم وارد سیاست‌های مالی کشورهای اروپایی شده و دولت‌هایی مانند فرانسه را به سمت سیاست‌های انقباضی و صرفه‌جویی اضطراری سوق داده است.

جنگ ایالات متحده با ایران: بحران برای اقتصاد دنیا

به گزارش اندیشکده «ریسپانسیبل استیت کرفت»^۷ علی‌رغم ابهامات موجود در چشم‌انداز نظامی و دیپلماتیک جنگ ایران، پیامدهای اقتصادی این بحران، اکنون بیش از پیش نمایان شده و تصویری نگران‌کننده را ارائه می‌دهد. شوک قیمتی در بازار جهانی نفت خام، اگرچه تاکنون با برداشت گسترده از ذخایر استراتژیک تا حدودی تعدیل شده است؛ اما موجب فشار تورمی و روند صعودی نرخ بهره اوراق قرضه دولتی در مقیاس جهانی شده و اقشار آسیب‌پذیر در «جنوب جهانی»^۸ را با بحران‌های بی‌سابقه‌ای مواجه ساخته است.

بر اساس شاخص‌های مالی، قیمت نفت خام برنت که در اوایل ماه ژانویه در سطح ۶۰ دلار به ازای هر بشکه قرار داشت، با وجود افت نسبی ناشی از اخبار احتمالی توافق در اواخر هفته گذشته، به سطح ۹۱ دلار صعود کرد. آژانس بین‌المللی انرژی^۹ گزارش داده است که تا اواسط ماه می، میزان کاهش عرضه جهانی نفت از مبدأ خلیج فارس به حدود یک میلیارد بشکه رسیده است. این شکاف عرضه تاکنون از طریق کاهش تقاضا در پی افزایش قیمت‌ها، افزایش تولید

^۷ Responsible Statecraft

^۸ Global South

^۹ IEA

در مناطق خارج از خلیج فارس و آزادسازی حدود ۲۵۰ میلیون بشکه از ذخایر جهانی نفت جبران شده است. با این وجود، فاتح بیرویل، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی، هشدار داده است که روند نزولی ذخایر با سرعتی ناپایدار در حال پیشروی است و این مسئله با نزدیک شدن به فصل تابستان و افزایش سفرهای جاده‌ای در نیمکره شمالی، بحران‌زا خواهد بود.

در این میان، سنگین‌ترین تبعات ناشی از کمبود و جهش قیمت سوخت، محصولات پتروشیمی و کودهای شیمیایی بر دوش فقیرترین کشورهای جنوب جهانی سنگینی می‌کند. در سومالی، هزینه‌های حمل‌ونقل ذرت به اردوگاه‌های پناهندگان و همچنین قیمت آب استخراج‌شده از چاه‌های عمومی دیزلی، رشدی دو تا سه‌برابری را تجربه کرده است. همزمان، اعتراضات به افزایش قیمت سوخت در کنیا منجر به جان باختن چهار نفر شده و فشارهای سیاسی و مالی در سراسر قاره آفریقا در حال تشدید است. در هند نیز، جهش شدید قیمت گاز مایع (LPG) آسیب جدی به خانوارهای شهری وارد کرده است؛ به‌ویژه خانوارهایی که نان‌آوران آن‌ها در کارگاه‌های صنعتی کوچک مشغول به کار بوده‌اند. وابستگی این کارگاه‌ها به گاز مایع سبب تعطیلی آن‌ها و آوارگی کارگران مهاجر روستایی شده است و از آنجا که این کارگران در مناطق شهری به سیستم‌های توزیع یارانه‌ای عمومی دسترسی ندارند، مجبور به تأمین سوخت پخت‌وپز از بازار سیاه با قیمت‌های نجومی شده‌اند. این شرایط، نگرانی‌ها را نسبت به تکرار سناریوی بازگشت دسته‌جمعی مهاجران به روستاها، مشابه تابستان ۲۰۲۰ در دوران کووید، افزایش داده است.

در همین راستا، برنامه جهانی غذا^{۱۰} در هفته دوم جنگ پیش‌بینی کرد که تداوم این منازعه می‌تواند ۴۵ میلیون نفر دیگر را به ورطه گرسنگی حاد بکشانند؛ به‌علاوه، مقامات جهانی در نشست اواسط آوریل صندوق بین‌المللی پول^{۱۱} در واشنگتن نیز هشدار دادند که حتی در صورت توقف فوری جنگ، بازگشت جریان کشتیرانی جهانی به شرایط عادی حداقل به دو ماه زمان نیاز دارد.

¹⁰ WFP

¹¹ IMF

این بحران، اقتصاد واقعی را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تحت فشارهای مالی مضاعفی قرار داده است؛ که به شکل کسری تراز تجاری ناشی از گرانی نفت، تورم فزاینده، کاهش ارزش پول ملی، تحلیل رفتن ذخایر بانک‌های مرکزی و خطر افزایش نرخ بهره برای مهار تورم (حتی در شرایط رکود اقتصادی) نمود پیدا کرده است. برای مقابله با این فشارها و دفاع از ارزش پول ملی، بسیاری از کشورها ناگزیر به فروش ذخایر ارزی یا طلای خود شده‌اند؛ به طوری که فیلیپین ۸.۱ درصد، هند ۵.۱ درصد و اندونزی ۳.۸ درصد از کل ذخایر خود را از دست داده‌اند. دولت هند همچنین تعرفه‌های سنگینی بر واردات طلا وضع کرده و نخست‌وزیر مودی از شهروندان خواسته است تا برای کاهش فشار بر روپیه، از سفرهای خارجی غیرضروری پرهیز کنند. کشور ملاوی نیز گزارش داده است که علاوه بر فروش ذخایر طلای خود، در حال عرضه شمش‌های نیمه‌فرآوری شده‌ای است که از معدن کاران محلی خریداری کرده بود.

در مقابل، اقتصادهای توسعه‌یافته با پویایی‌های متفاوتی روبرو هستند. اروپا که برخلاف وابستگی ۶۰ درصدی آسیا به نفت خلیج فارس، تنها ۷ درصد از نفت خود را از این منطقه تأمین می‌کند، همچنان از ترکش‌های افزایش قیمت‌ها در امان نمانده و کمیسر اقتصادی اتحادیه اروپا نسبت به وقوع یک شوک «رکود تورمی»^{۱۲} در این قاره هشدار داده است. با این حال، اتحادیه اروپا و بریتانیا به واسطه ثروت نسبی خود، توانسته‌اند با تخصیص یارانه‌های مالی به کسب‌وکارهای آسیب‌دیده، از شدت بحران بکاهند؛ هرچند این سیاست‌ها عملاً بار کاهش تقاضای نفت را به کشورهای فقیری تحمیل می‌کند که توانایی اعمال چنین حمایت‌های مالی را ندارند.

منطقه آمریکای لاتین نیز به دلیل بهره‌مندی کشورهای نظیر آرژانتین، برزیل، کلمبیا و اکوادور از جایگاه صادرکننده خالص انرژی، تاب‌آوری بیشتری از خود نشان داده است. مکزیک نیز اگرچه با کسری تراز انرژی محدودی مواجه است، اما گاز طبیعی خود را از ایالات متحده تأمین می‌کند و تنها شیلی به عنوان یک استثنای بزرگ در این منطقه آسیب‌پذیر است. با وجود این سپر محافظتی در بخش انرژی، کشورهای آمریکای لاتین به عنوان صادرکنندگان محصولات

¹² Stagflationary

کشاورزی، در برابر افزایش قیمت کودهای شیمیایی و تورمی که بانک‌های مرکزی را به افزایش نرخ بهره وامی‌دارد، به شدت آسیب‌پذیر هستند.

در ایالات متحده، مقامات دولتی با تأکید بر افزایش چشمگیر تولید داخلی نفت و کاهش وابستگی به انرژی وارداتی، سعی در تقلیل آثار روانی و اقتصادی جنگ بر شهروندان آمریکایی داشته‌اند. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، تصریح کرده است که سیاست «وفور انرژی» به این کشور کمک کرده تا در برابر شوک‌های جنگ مقاومت کند و افزایش تقاضای جهانی، فرصتی برای رشد صادرات انرژی آمریکا فراهم آورده است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نیز در ماه آوریل اعلام کرد که این کشور تقریباً هیچ نفتی از تنگه هرمز وارد نمی‌کند و در آینده نیز به آن نیازی نخواهد داشت. آمارها نشان می‌دهد که از زمان آغاز جنگ، صادرات نفت و فرآورده‌های پایین‌دستی ایالات متحده رشد چشمگیری داشته و صادرات ۱۴۵ میلیون بشکه نفت مازاد، درآمدی ۵۰ میلیارد دلاری برای این کشور به ارمغان آورده است. با این وجود، روی دیگر این سکه، تحمیل هزینه اضافی ۴۰ میلیارد دلاری بر مصرف‌کنندگان آمریکایی برای تأمین بنزین بوده است. تحقیقات فدرال رزرو نیویورک نشان می‌دهد که خانوارهای کم‌درآمد بیشترین آسیب را از این افزایش قیمت انرژی متحمل شده و برای کنترل بودجه بنزین خود، ناچار به تغییر الگوهای سفر شده‌اند.

علاوه بر این، بخش کشاورزی آمریکا با یک بحران دوگانه ناشی از افزایش شدید قیمت کود و دیزل مواجه است؛ به گونه‌ای که طبق گزارش «اداره مزرعه»^{۱۳}، ۷۰ درصد از کشاورزان قادر به تأمین کود مورد نیاز خود نیستند. این امر می‌تواند به کاهش بازدهی محصولات و افزایش قیمت مواد غذایی منجر شود؛ چالشی که در مقیاس جهانی نیز برای کشاورزان خرده‌پا در جنوب جهانی نگران‌کننده است.

در نهایت، اگرچه بازار سهام ایالات متحده با اتکا به رشد شرکت‌های حوزه هوش مصنوعی و نیمه‌هادی‌ها نسبتاً پررونق باقی مانده است، اما بازارهای اوراق قرضه جهانی از جمله در آمریکا،

¹³ Farm Bureau

نشانه‌هایی از نگرانی عمیق را مخابره می‌کنند. فشارهای تورمی ناشی از افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی، در کنار نگرانی‌ها از هزینه‌های مالی فزاینده برای بودجه‌های دفاعی، یارانه‌های سوخت و نیازهای عظیم بازسازی، منجر به افزایش چشمگیر بازدهی اوراق قرضه جهانی شده است. پس از آنکه نرخ تورم مصرف‌کننده در آمریکا با عبور از هدف ۲ درصدی فدرال رزرو به ۳٫۸ درصد جهش یافت، بازدهی اوراق قرضه ۳۰ ساله خزانه‌داری آمریکا در هفته گذشته به بالاترین سطح خود در ۳۰ سال اخیر رسید. این افزایش بازدهی، اگرچه برای خریداران جدید سودآور است، اما با تبعیت نرخ وام مسکن از بازدهی اوراق دولتی، شرایط را برای خریداران مسکن دشوارتر می‌سازد. بنابراین، حتی اگر تبعات این جنگ در داخل ایالات متحده به شدت بخش‌های وسیعی از جنوب جهانی نباشد، باز هم پیامدهای اقتصادی آن در آمریکا تعداد بازندگان بسیار بیشتری نسبت به برندگان برجای خواهد گذاشت.

تحلیل مشترک برنده نوبل اقتصاد ۲۰۲۴ و اقتصاددان ایرانی

دانشگاه برکلی از سه‌گانه غیرممکن ترامپ در خلیج فارس

سایمون جانسون و امیر کرمانی در یادداشتی با عنوان «بهای هرمز چقدر است؟» که در پروجکت سندیکت منتشر شده است به گره‌های ژئوپلیتیک و هزینه‌های اقتصادی تصمیمات ترامپ در خلیج فارس پرداخته‌اند. سایمون برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۲۴، اقتصاددان ارشد سابق صندوق بین‌المللی پول و استاد دانشکده مدیریت اسلون در دانشگاه MIT است. او همچنین به عنوان سفیر هوش مصنوعی بریتانیا فعالیت می‌کند و نویسنده همکار کتاب «قدرت و پیشرفت» با دارون عجم اوغلو است. امیر کرمانی اقتصاددان ایرانی و دانشیار دانشگاه برکلی کالیفرنیا است.

به عقیده نویسندگان، دونالد ترامپ در خلیج فارس در سه راهی یک تردیاف گرفتار شده است که فقط دو مسیر آن به طور هم‌زمان باز است. ترامپ می‌خواهد برنامه هسته‌ای ایران را تعطیل کند، تنگه هرمز را برای همیشه باز نگه دارد تا ثبات بازار انرژی حفظ شود و در عین حال، آن رئیس‌جمهوری نباشد که تایوان را به چین واگذار کرده است. مشکل اینجاست که دستیابی به

هر دو هدف، سومی را ناممکن می‌کند؛ چراکه اقتصاد می‌گوید هر انتخابی یک هزینه فرصت دارد. مثلاً اگر ترامپ بخواهد از نفوذ چین برای مهار هسته‌ای ایران و باز کردن تنگه هرمز استفاده کند، پکن امتیاز بزرگی مثل تایوان را مطالبه خواهد کرد. پس هزینه توقف برنامه هسته‌ای ایران و بازگشایی تنگه هرمز، دادن امتیاز تایوان به چین خواهد بود.

جانسون و کرمانی استدلال می‌کنند دوران کنترل بلامنازع آمریکا بر خلیج فارس به پایان رسیده است و ایران اکنون با کارتی بازی می‌کند که قبلاً نداشته است و آن، توانایی مسدود کردن تنگه هرمز با پهپادهای ارزان قیمت است. این یک مسئله صرفاً نظامی نیست چرا که بر تصمیمات شرکت‌های بیمه و خدمه نفتکش‌ها اثر می‌گذارد و اعتبار تهدید آن مستقیماً قیمت‌ها را جابه‌جا می‌کند. حتی اگر آمریکا با قدرت نظامی زیرساخت‌های ایران را ویران کند، باز هم نمی‌تواند جلوی حملات پهپادی گروه‌های پراکنده را بگیرد. این موضوع با ایجاد ناامنی مزمن، به اقتصاد کشورهای همسایه و ثبات اقتصادی جهانی آسیب می‌زند.

گزینه‌های روی میزی که همگی هزینه دارند شامل موارد زیر هستند:

۱. معامله با چین: تنگه باز می‌شود، هسته‌ای مهار می‌شود اما چین در مقابل سرمایه‌گذاری‌های عظیم زیرساختی در ایران انجام می‌دهد و آمریکا تایوان را از دست می‌دهد.
۲. گزینه نظامی: ایران فلج می‌شود اما تنگه باز نمی‌شود و ناامنی مزمن کل منطقه را می‌گیرد.
۳. خروج از منطقه: تنگه باز می‌شود اما با شرایط دیکته‌شده از سوی ایران و چین که این یعنی شکست برای کاخ سفید و واگذاری مدیریت جریان انرژی به رقبای.
۴. ادامه وضع موجود: یک آتش‌بس لرزان که در آن تنگه فقط به صورت مشروط باز است و هر تنشی در آن، مستقیماً بر قیمت جهانی نفت، گاز طبیعی، پلاستیک و کودهای شیمیایی تأثیر می‌گذارد.

جانسون و کرمانی، روسیه را برنده اقتصادی این وضعیت می‌دانند و توضیح می‌دهند در حالی که آمریکا در این بن‌بست دست‌وپا می‌زند، روسیه در حال سود بردن است. پوتین به قیمت

بالای نفت برای تامین هزینه‌های جنگ اوکراین نیاز دارد و از گرفتار شدن و تحقیر آمریکا در خلیج فارس لذت می‌برد. روسیه با تجهیز ایران، عملاً بن‌بست ترامپ را سخت‌تر و پرهزینه‌تر می‌کند.

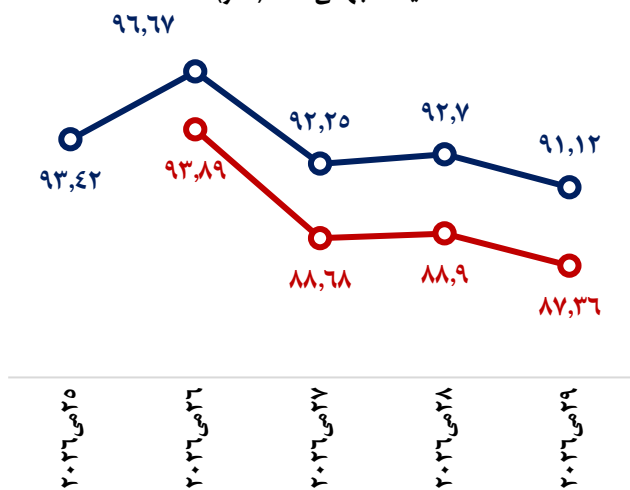
بر این اساس، تنگه هرمز دیگر مثل سابق یک آبراه بین‌المللی تضمین شده نیست و به اهرم فشاری تبدیل شده که باز بودن آن مشروط است. آمریکا دیگر نمی‌تواند به تنهایی اراده‌اش را تحمیل کند و هر تصمیمی که ترامپ بگیرد به معنای یک باخت بزرگ در جبهه‌ای دیگر برای او خواهد بود.

نمای نفت در بازارهای جهان

قیمت نفت برنت در این هفته شاهد یکی از شدیدترین افت‌های خود از شروع جنگ بود و از ۹۳.۴۲ دلار در روز دوشنبه به ۹۱.۱۲ دلار در روز جمعه رسید. این کاهش قیمت مستقیماً با پیشرفت مذاکرات آتش‌بس و انتظار بازار برای بازگشت عرضه نفت ایران مرتبط بود. در روز چهارشنبه بازار با ریزش ۴.۵۷ درصدی مواجه شد که واکنشی به گزارش‌های نزدیکی به توافق نهایی بود. با وجود این کاهش، ابهام در مورد زمان دقیق بازگشایی کامل تنگه هرمز مانع از سقوط قیمت به زیر ۹۰ دلار شد.

نفت وست تگزاس (WTI) نیز روند مشابهی را طی کرد و با افت هفتگی قابل توجه به سطح ۸۷.۴۶ دلار در هر بشکه رسید. قیمت WTI در روز چهارشنبه ریزش ۵.۵۵ درصدی را تجربه کرد که یکی از شدیدترین کاهش‌های قیمت روزانه از زمان شروع جنگ بود. تحلیل اخبار نشان می‌دهد انتشار شایعاتی درباره پیشنهاد مالی بزرگ آمریکا به ایران به عنوان بخشی از توافق صلح، باعث تخلیه حباب ریسک شده است. به نظر می‌رسد این شاخص هفته را در حالی به پایان برد که معامله‌گران به جای نگرانی از کمبود عرضه، بر سناریوی افزایش تولید جهانی متمرکز شده بودند. لازم به ذکر است WTI در روز دوشنبه به دلیل تعطیلات روز یادبود، معامله نشد.

قیمت جهانی نفت (دلار)





اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی

تهران، ۴۵۸۶۷۱۷۴۱۱، خیابان استاد مطهری، پلاک ۲۷۵

صندوق پستی: ۳۸۱۸-۱۵۸۷۵ | نمابر: ۰۲۱-۸۸۷۱۳۴۱۵-۱۶